

## کاربست رویکرد «متن بنیان» در معیار عناصر سندشناسی، با تأکید بر اجزای اسناد دیوانی ایران

حسن زندیه<sup>۱</sup> / حسین صومعه<sup>۲</sup>

### چکیده

سندشناسی، دانش مطالعه اسناد است و بررسی عناصر اسناد، مشتمل بر ترکیب بندی متن و ویژگی های صوری آنها، موضوع کانونی این رشته به شمار می آید. از اوان شکل گیری مطالعات سندشناسی اسناد ایرانی تا امروز، کوشش های چندی در راستای روشمندسازی بررسی عناصر اسناد به انجام رسیده که امروز، پشتوانه های آموزش، مطالعه و پژوهش سندشناسی ایرانی اند. بازبینی و هم سنجی آثار نگاشته شده در این حوزه، اما از اندازه ای اختلاف در میان آنها خبر می دهد. ژرف نگری در ماهیت و سبب اختلاف ها، بیانگر کاستی در فراهم کردن ادبیات تخصصی مشترک و ابهام در مبانی نظری است که عناصر اسناد ایرانی بر پایه آنها بازشناسی و دسته بندی شده اند. پیامد این وضعیت؛ ناکامی در شکل گیری روشی ساخت یافته، در زمینه مطالعات اسناد ایرانی است که خود را در چهره فقدان یک معیار فراگیر و دقیق نمایان می سازد. با نظر به این مسئله؛ مقاله حاضر، با هدف ارائه معیاری که همراه با جذب حداکثری دیدگاه های آثار پیشین، یک مبانی نظری مستدل را به منظور بازشناسی و دسته بندی عناصر اسناد ایرانی حول محور آن، فراهم نماید؛ طراحی معیار عناصر سندشناسی متن بنیان را در دستور کار خود نهاده است.

در این راه، گرد و فرآوری مبانی نظری و مفاهیم مورد نیاز، هم زمان با بررسی تطبیقی آثار پیشین مورد توجه نویسندگان قرار گرفته و به منظور فراهم آوردن چارچوب نظری؛ انگاره «سند، به مثابه متن»، در بستر رویکردی که به گفتار نویسندگان مقاله، «متن بنیان» خوانده می شود، پی گرفته شد. از چشم انداز

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Zandiyehh@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد اسناد، مدارک آرشیوی و نسخه شناسی از دانشگاه تهران

Hossein.sovmaeh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

این رویکرد؛ سند، به عنوان یک ماهیت برخوردار از سه بُعد «محتوا»، «یافت» و «ریخت» شناسایی می‌گردد. بُعد ریختی، دربرگیرنده عناصر اسناد، به عنوان موضوع اصلی مطالعات سندشناسی است. بنابراین؛ کار در زمینه فرآوری مفاهیم عملیاتی مرتبط با ریخت اسناد، گسترش یافته و به یاری انگاره «نحوه انتقال محتوا، محصول تصمیمات تولیدکننده متن است»، عناصر همگن اسناد، در چهار دسته «پیکر متن» (محصول تدابیر محتوایی اصلی تولیدکننده)، «دیوان‌افزود» (محصول نیات و اقدامات مقامات حاکم و کارگزاران دیوانی در راستای تکمیل اهداف محتوایی)، «زمینه-آرایه» (محصول تدابیر مرتبط با ایجاد بسترهای بهینه برای پیاده‌سازی اهداف محتوایی) و «پس‌افزود» (افزوده‌های پس از تولید و صدور سند) شناسایی گردید.

در کنار تدوین مبانی نظری، استخراج عناصر سندشناسی از دیدگاه آثار پیشین، مورد توجه قرار گرفت. دستاورد کار، «فرانمای معیار عناصر سندشناسی متن‌بنیان» بر پایه عناصر اسناد دیوانی ایران است که در آن، عناصر منطبق با هر یک از دسته‌های چهارگانه (پیکرمتن، دیوان‌افزود، زمینه-آرایه و پس‌افزود)، با بهره‌برداری از خروجی‌های جدول‌های مقایسه‌ای آثار پیشین، در یک جدول رده‌بندی سازماندهی شده‌اند. «معیار عناصر سندشناسی متن‌بنیان»، با نگاهی مفهومی به ماهیت عناصر اسناد ایرانی؛ از انگاشت‌های برآمده از برداشت‌های سلیقه‌ای و یا معیارهای سندشناسی مدرن مبتنی بر ماهیت اسناد اروپایی و غربی گذر کرده و یک بازشناسی، دسته‌بندی و رده‌بندی فراگیر از عناصر اسناد دیوانی ایران، بر پایه مرزهای مفهومی مشخص، به دست داده است.

**واژه‌های کلیدی:** سندشناسی متن‌بنیان، روش‌شناسی مطالعه اسناد، معیار عناصر سندشناسی، اسناد ایرانی، اسناد دیوانی ایران.

## **Applying the Text-Based Approach to Diplomatics Elements Standard: An Analysis of Iranian Chancery Documents**

Hassan Zandiyeh<sup>1</sup>/Hossein Sovma'eh<sup>2</sup>

### **Abstract**

*Diplomatics is the science of studying documents, and the study of document elements, including the composition of the text and their formal characteristics, is considered the focal subject of this field. Since the beginning of the diplomatics studies of Iranian document until today, several efforts have been made to methodize the study of document elements, which today are the basis of Iranian diplomatics education, study, and research. Reviewing and comparing the works written in this field, however, shows some differences among them. A deeper look into the nature and causes of the differences reveals a deficiency and lack of effort in providing common specialized literature and ambiguity in the theoretical foundations on the basis of which the elements of Iranian documents are identified and categorized. The consequence of this situation is the failure to create a precise and structured method and standard in the field of Iranian diplomatics studies. The consequence of this situation is the failure to form a structured method in the field of Iranian document studies, which manifests itself in the lack of a comprehensive and precise standard. In view of this issue, the present article, with the aim of providing a standard (or criterion) that, along with maximum absorption of the contents of previous works, provides a sound theoretical basis for defining and classifying the elements of Iranian documents around its axis, has put the design of a standard for text-based documentary elements on its agenda.*

*In this way, the authors focused on gathering and processing the necessary theoretical foundations and concepts, along with a comparative study of previous works. In order to provide a theoretical framework, the concept of "document as text" was pursued within the context of an approach that, in the words of the authors of the article, is called "text-based". From the perspective of this approach, a document is identified as an entity with three dimensions: "content", "context", and "form". The form dimension, which includes the elements of documents, is the main subject of diplomatics studies. Therefore, the work was expanded in the field of processing operational concepts related to the formal dimension of the document, and with the help of the idea that "the way*

---

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding Author)

2 . M.A in archival documents, diplomatics and codicology from Tehran University

*content is transmitted is the product of the decisions of the text producer", the homogeneous elements of documents were defined in four categories: Peykar-Matn (body text, the product of the producer's main content measures), Diwān-Afzūd (chancery additions, the product of the intentions and actions of the ruling authorities and court agents in order to complete the content goals), Zamineh-Ārāyeh (ground/decoration, the product of measures related to creating optimal platforms for implementing content goals), and Pas-Afzūd (post-additions, additions after the production and issuance of the document).*

*Along with the development of theoretical foundations, the extraction of document elements from the perspective of previous works was considered. The achievement of the work is the "Schedule of Standard (criteria) for Text-Based Diplomatics Elements, Based on Iranian Court Documents" in which the elements corresponding to each of the four categories (Peykar-Matn, Diwān-Afzūd, Zamineh-Ārāyeh, and Pas-Afzūd) are organized in a classification table by utilizing the outputs of comparative tables of previous works. "Standard (criteria) for Text-Based Diplomatics Elements", with a conceptual look at the nature of the elements of Iranian documents, has moved beyond assumptions derived from personalized perceptions or criterias based on the nature of European and Western documents, and has provided a comprehensive recognition, classification, and ranking of the elements of Iranian court documents, based on specific conceptual boundaries.*

**Keywords:** Diplomatics, Text-Based Approach, Document Analysis Methodology, Documentary Elements Standard, Iranian Chancery Documents, Iranian Historical Documents.

## ۱. مقدمه

سندشناسی،<sup>۱</sup> علم مطالعه اسناد است (Herde, 2022: online)؛ دانشی که به بررسی بودن و شدن، مستندسازی،<sup>۲</sup> تحلیل منشأ، ساختمان درونی، انتقال اسناد و ارتباطشان با حقایق ارائه شده در آنها و با پدیدآوردن گانشان می‌پردازد (Duranti, 1989: 7)؛ اما از نگاهی کلاسیک به سند و دانش مطالعه آن، می‌توان گفتار متخصص اسناد قرون وسطی، فردریکو گالو را در پیش چشم آورد: «یک سند، نه به خاطر [جنبه‌ها یا هویت] زبانی، تاریخی و حقوقی‌اش، بلکه از این‌راه که گواهی بر یک کنش حقوقی/قانونی است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدین‌مایه، می‌توان آن را از دیدگاه ترکیب بیرونی و درونی‌اش بررسی کرد. بنابراین، تحقیق در این موارد، در عرصه بررسی سندشناسی قرار می‌گیرد: اعتبار،<sup>۳</sup> منشأ، اصالت یا وابستگی<sup>۴</sup> و تمامیت<sup>۵</sup>. افزون بر اینها برای تبیین کنش [ها] یا واقعیت [های] مندرج در اسناد، از روش‌های سندشناسی یاری گرفته می‌شود. سندشناسی، گاهی به عنوان رشته کمکی تاریخ برای جستارگری در اسناد و کنش‌ها در راستای درک اعتبار، منشأ، متن و کاربردهای دیوانی و رسمی (قضایی) آن‌ها، در نظر گرفته می‌شود» (Gallo, 2024: 26).

سندشناسی از سده ۱۹م با تخصصی‌سازی روش‌های خود، همراه با جدا کردن رویکرد مطالعه‌اش از دیرینه‌نگاری اسناد،<sup>۶</sup> ساختار دانشی را فراهم آورده است که مراتب ویژه‌ای از مطالعه و تحلیل اسناد و مباحثی همچون بررسی ریخت<sup>۸</sup> (مشمول بر مشخصات بیرونی و درونی)، تباری<sup>۱</sup>

---

1. diplomatics (دیپلماتیکز)

2. documentation

3. authenticity

4. provenance

5. originality or dependence

6. integrity

7. documentary paleography

۸. form؛ در کاربرد مورد نظر این مقاله، برابری فارسی شکل، ریخت، صورت، ترکیب، قالب، ظاهر و ... را برای این واژه آورده‌اند؛ هرچند به نظر می‌رسد در متون سندشناسی فارسی، معادل «شکل» را برای آن به کار می‌برند؛ چنانکه عناصر بیرونی سند را گاه عناصر شکلی گفته‌اند؛ اما form در حوزه سندشناسی، هم به ویژگی‌ها یا عناصر بیرونی (اجزای ظاهری مانند رسانه، خط، تزئینات و ...) و هم ویژگی‌ها یا عناصر درونی (شیوه نگارش، ترکیب‌بندی عبارت‌ها و ...) سند اشاره دارد (بنگرید: Guyotjeannin, 1996: 416; Duranti, 2017: 1446). بدین پایه، کاربست واژه فارسی «ریخت» برابر form انگلیسی، راهکاری است که این مقاله، برای اشاره به پوشش معنایی آن در هر دو زمینه ویژگی‌های بیرونی و درونی، در پیش گرفته است. از این رو؛ اصطلاح «شکل»، در مفهوم ویژگی‌ها، عناصر یا اجزای

(حلقه‌های زنجیره تولید سند از نسخهٔ پیش‌نویس تا اصلی، سواد، رونوشت‌های دفاتر و بایگانی‌ها)، تکوینی<sup>۲</sup> (فرایند کارگزاران، کنش‌ها و روش‌های فعال در شکل‌گیری یک سند)، جعل، تاریخ‌گذاری (و تطبیق آن با گاهشماری متعارف) و مهر و موم‌ها را دربر می‌گیرد (Guyotjeannin, 1996: 416-417). به هر رو، دامنهٔ مباحث بررسی سندشناسی، در میدانی گسترده است که داستان ایجاد سند و تولید آن؛ دلیل تولید؛ هارمونی ایجاد سند و نظم منطقی [حاکم] بر نحوهٔ ایجاد، رعایت اسلوب نگارش؛ جعلی‌سازی و زیادسازی اطلاعات؛ منشأ، اصالت و اعتبار اسناد از مباحث مهم آن هستند (حسن‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۹). با نگرشی ویژه به مطالعهٔ اسناد تاریخی ایران؛ سندشناس فقید ایرانی، جهانگیر قائم‌مقامی، نوع‌شناسی اسناد؛ ترکیب‌ات اسناد؛ آداب نگارش، تنظیم و صدور؛ بررسی و تحقیق دربارهٔ اسناد را در زمرهٔ مباحث حوزهٔ سندشناسی آورده است (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۲۰-۴۲۲).

سند، ستون و موضوع کانونی دانش سندشناسی و کارگاه کار سندشناس<sup>۳</sup> است. سندشناس با تمرکز ویژه بر اجزا یا پاره‌های قابل‌شناخت خودِ سند، همراه با یاری گرفتن ابزارها و منابع کمکی، می‌کوشد یک شناخت و ارزیابی دقیق و قابل اعتماد از موضوع کار خود به دست دهد. هر سند، از مجموعهٔ هماهنگ چیزها و پاره‌هایی - از کاغذ، مرکب و اقلام خط گرفته تا عبارت‌های متن، نشان‌ها و آرایه‌ها- فراهم آمده که در اصطلاح، به آنها «اجزای سند» یا «عناصر سندشناسی» گفته می‌شود. روستایی، سند را به مثابهٔ ابزار و نوشته‌ای منحصر به فرد می‌داند که گرچه ظاهراً عناصر درونی و بیرونی آن، غیرقابل‌پیش‌بینی بوده و خیلی هم قاعده‌مند به نظر نمی‌رسد (روستایی، ۱۳۸۹: ۴۶)؛ اما دانش سندشناسی با بررسی اجزاء یا عناصر شکلی (بیرونی) و درونی اسناد، راهی روشمند برای تعریف و تشریح اسناد، در دسترس سندشناس قرار می‌دهد (همان: ۴۴)؛ چرا که اندیشهٔ اولیهٔ سندشناسی، بر این انگاشت، استوار گردیده که همهٔ

---

بیرونی حفظ شده است. بنابراین، در هر جای متن مقاله، از منابع فارسی بهره‌برداری شده که در آنها واژه «شکل» در مفهوم form آمده، در راستای تدقیق ادبیات این نوشتار، واژه «ریخت»، در اولین بار استفاده در منبع، در جلوی واژه «شکل»، در درون پرانتز آمده است؛ شکل (ریخت) و چنانکه این واژه تکرار شده، واژه ریخت، یکرست به جای آن به کار رفته است.

1. tradition
2. genesis
3. diplomatist

اسناد، به قدری شبیه هستند که بتوان یک فرم مستندسازی یا قالب مطلوب را که همه ویژگی‌های احتمالی آنها را دربر می‌گیرد، تصور نمود و از آن فرم یا قالب، برای تجزیه و تحلیل اسناد بهره گرفت (Duranti, 2017: 2/1446). به گفتار دیگر؛ شناسایی، توصیف و هم‌سنجی شباهت‌ها و تفاوت‌های اجزا یا عناصر اسناد است که مبنای کار مطالعه سندشناسی قرار می‌گیرد.

به همین راه، از سپیده دم مطالعات سندشناسی اسناد ایرانی تا امروز؛ سندشناسان کوشش‌های پرشماری را در راستای بازشناسی اجزای اسناد و دستیابی به فرم یا قالب مستندسازی پیش‌گفته، سامان داده و در آثار خود، اجزای قابل‌شناخت را معرفی و دسته‌بندی نموده‌اند. از چشم‌انداز دریچه اکنون به راه رفته سندشناسی اسناد ایرانی؛ مانداک و پشتوانه‌ای شایان از آثار پربار و دیدگاه‌های ارجمند، پدیدار است که البته در کرانه آن، برخی ناهمخوانی‌ها در دیدگاه‌ها گهگاه، درنگی برای رُخ‌نمایی می‌یابند. وجود ناهمخوانی‌ها هر چند نمودار پویایی جامعه سندشناسی ایران است؛ اما از یک سو، نشانگر شکل نگرفتن زبان تخصصی مشترک در میان دانشوران این رشته است و از سوی دیگر، بیانگر نبود مبنایی مستدل که بر پایه آن، بتوان مرزهای مشخصی را برای تشخیص و دسته‌بندی اجزای اسناد ایرانی ترسیم نمود. با این‌همه اکنون، پیشداشته‌های دانشی گذشته، چونان سرمایه‌ای گرانمایه، در دسترس راهکاراندیشی برای این مسئله است. اینک بهره‌گیری از داده‌های مشترک آثار دانشوران پیشین و جذب حداکثری دیگر دیدگاه‌های سودمند مندرج در آن‌ها؛ همراه کردن این کار با طراحی چارچوب نظری مورد نیاز و سرانجام ساماندهی داده‌های مشترک و دیدگاه‌های سودمند، حول محور آن مبنای مستدل؛ معیاری را در دست خواهد نهاد که کارویژه و دستاورد آن، ساماندهی و روشمندی بیشتر در آموزش، مطالعه و پژوهش سندشناسی اسناد ایرانی تواند بود. پژوهش پیش رو، دستیابی به این هدف را در چهار مرحله، سازماندهی نموده است:

- مرحله ۱: بررسی آثار مطرح در زمینه بازشناسی عناصر اسناد ایرانی؛ استخراج داده‌های مرتبط با اجزای اسناد و طرح کلی نویسنده اثر در دسته‌بندی آنها (بخش ۳)؛
- مرحله ۲: گرد و فرآوری مفاهیم موردنیاز در راستای برساختن چارچوب نظری رویکرد پیشنهادی «متن‌بنیان» به عناصر سندشناسی (بخش ۴)؛
- مرحله ۳: فرآوری و گسترش مفاهیم رویکرد متن‌بنیانی در زمینه دسته‌بندی عناصر سندشناسی اسناد ایرانی (بخش ۵)؛

- مرحله ۴: ارایه فرامای فراگیر معیار عناصر سندشناسی متن بنیان (پاره ۵-۵).  
در نگاهی کلی به پیرنگ پژوهش و با نگرانی بر شرح گام‌های چهارگانه پیش گفته، دانسته می‌شود که رویکرد متن‌بنیانی به عناصر سندشناسی؛ خود، یک «معیار» ناظر بر پیش‌داشته‌های آثار پیشین است. پس، به همین نگاه، هر یک از آثار بهره‌برداری شده نیز خود، یک «معیار» عناصر سندشناسی است. بنابراین؛ پیش از هر چیز، شایسته خواهد بود که تعریفی سندشناسانه از مفهوم «معیار»، با نظر به کاربرد گسترده آن در ادبیات پژوهش حاضر، ارائه گردد.

## ۲. معیار سندشناسی و مفهوم آن

واژه معیار را از نگاه کاربرد آن در پژوهش پیش رو، باید در معنای واژه «استاندارد» انگلیسی، مورد توجه قرار داد. standard از دیدگاه ریشه‌شناسی بر چیزی بسط‌یافته یا برافراشته، دلالت دارد و معانی 'criterion و 'norm از آن برداشت می‌شود (آیتو، ۱۳۸۶: ۱۱۳۳). «معیار» در زبان فارسی، به معنی سرمشق، ملاک و آن ابزاری است که برای تشخیص و سنجش کمی یا کیفی ارزش چیزی یا مقایسه آن با چیز دیگر، به کار رود (انوری، ۱۳۸۲: ۷/۷۱۸۶). معیار کردن،<sup>۳</sup> فرایند ساخت و ایجاد یک معیار فنی جامع، دقیق و جهانشمول، برای یاری به تشخیص‌پذیری، مقایسه‌پذیری، تفسیرپذیری، تکرارپذیری، ایمنی و کیفیت است (میرزایی، ۱۳۹۳: ۹۹۰).

باید در نظر آورد که هر سند، از اجزا یا عناصر دارای هارمونی و نظم منطقی مشخص، ساخته شده و همانندی یا یکسانی این مجموعه اجزا و شیوه ترکیب و آمیزش آنها است که ماهیت یک نوع سندی خاص، مانند فرمان، نشان، پروانچه، برات و ... را پدیدار می‌سازد. به گفتار دیگر، هر یک از عناصر سندشناسی در نقش «متغیر»های<sup>۴</sup> ساختار یا مفهومی به نام سند هستند. ویژگی‌های کمی و کیفی هر یک از این متغیرها، نقش «شاخص»هایی<sup>۵</sup> را دارد که برای درک چگونگی معیار بررسی آن سند، به کار می‌آید. چگونگی شاخص‌های متغیرها، یعنی ویژگی‌های

۱. معیار، ملاک، ضابطه

۲. معیار، میزان، هنجار

3. standardization

4. variables

5. indicator

کیفی و کمی عناصر سندشناسی، تمایز انواع اسناد (نوع‌شناسی اسناد)<sup>۱</sup> و حتی تفاوت یک نمونه نسبت به نمونه‌های دیگر هم‌نوع را رقم می‌زند. پس می‌توان گفت که عناصر سندشناسی، از دیدگاه چگونگی کارکرد و ترکیبشان در شکل‌گیری سند، بنیادگر معیار سندشناسی‌اند. از این رو، در اصطلاح این پژوهش، هر «معیار سندشناسی»، شامل مجموعه عناصری است که هر یک، در پی مطالعه سندشناسی بر روی نمونه‌های انواع مختلف و متعدد اسناد، تشخیص داده شده و توسط سندشناسان به عنوان یک عنصر سندشناسی قابل‌شناخت، معرفی شده‌اند. افزون بر این؛ سندشناسان، عناصر سندشناسی را بر پایه ویژگی‌ها و کارکرد همگرایشان در ساختمان اسناد، در گروه‌های همگن دسته‌بندی می‌نمایند. بدین‌مایه؛ یک معیار سندشناسی، در کلیت آن، یک دسته‌بندی دربرگیرنده گروه‌های عناصر همگن سندشناسی، به دست می‌دهد.

### ۳. معیارهای سندشناسی اسناد ایرانی

هر معیار سندشناسی، از آنجا که شیوه‌ای ساخت‌یافته در تشخیص اجزای قابل‌شناخت اسناد و چگونگی دسته‌بندی آنها به دست می‌دهد، بنیاد تفسیرپذیری اسناد و روشمندسازی مطالعات سندشناسی است. در نگاهی گذشته‌نگر به پیشینه سندشناسی در ایران؛ با وجود آگاهی‌های ارزنده‌ای که از طریق سنت کهن منشآت‌نویسی، پیرامون اجزاء و ترکیب مکتوبات، در دسترس است؛ باید گفت که سندشناسی اسناد ایرانی، در جایگاه حوزه‌ای مستقل از تاریخ‌پژوهی مبتنی بر اسناد، حوزه‌ای معاصر است که به کوشش مستشرقان روسی و آلمانی، در میانه سده ۲۰م/ نیمه اول سده ۱۴ش، پا گرفته و پژوهشگران ایرانی، با اندکی تأخیر، وارد این میدان شده‌اند (شوهانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). در این دوره تا امروز، کارهای چندی در زمینه روشمندسازی مطالعه اسناد ایرانی به انجام رسیده و از برجسته‌ترین آنها می‌توان به آثار بوسه، قائم‌مقامی، خان‌محمدی، فدایی عراقی، رضایی و حسن‌آبادی اشاره نمود. آثار یادشده که به ترتیب، در سال‌های ۱۳۳۸، ۱۳۵۰، ۱۳۷۰، ۱۳۷۷، ۱۳۸۷ و ۱۴۰۲ منتشر شده‌اند، در زمره شاخص‌ترین منابعی به‌شمارند که به بازشناسی و دسته‌بندی عناصر اسناد ایرانی پرداخته‌اند. بدین‌رو؛ آثار یادشده، در جایگاه معیارهای نمونه، درخور بررسی و هم‌سنجی‌اند.

### ۳-۱. معیار بوسه

رساله دکتری هریرت بوسه<sup>۱</sup>، زیر عنوان پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر پایه اسناد ترکمنی و صفوی (۱۳۳۸ش/۱۹۵۹م، قاهره)، یکی از شاخص‌ترین پژوهش‌های سپیده‌دمان بررسی‌های سندشناسی اسناد ایرانی است که البته، بر قسمی خاص از اسناد دیوانی، یعنی فرمان‌ها تمرکز یافته است. این سندشناس آلمانی، بررسی خصوصیات خارجی، داخلی و تقریر اسناد را در زمره مسائل سندشناسی دانسته (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۸) و عنوان بخش نخست رساله‌اش را «سندشناسی و اصول دیوانی» نهاد است. او بحث را با گفتارهایی در معرفی اسناد و منابع بهره‌برداری شده در پژوهش؛ وضعیت سلامت و اصالت اسناد؛ دسته‌بندی و تشریح انواع اسناد مورد مطالعه و چگونگی دسته‌بندی آنها از دیدگاه وابستگی زمانی، با نگاه به ویژگی‌های ظاهری اسناد (در پاره‌های «فرمان‌نویسی»، «وضع حفاظت اسناد»، «محتوای فرمان‌ها» و «تقسیم‌بندی زمانی فرمان‌ها») پیش برده (همان: ۲۳-۴۴) و در پاره‌های بعدی؛ به گونه‌ای ویژه، به بررسی عناصر سندشناسی پرداخته است.

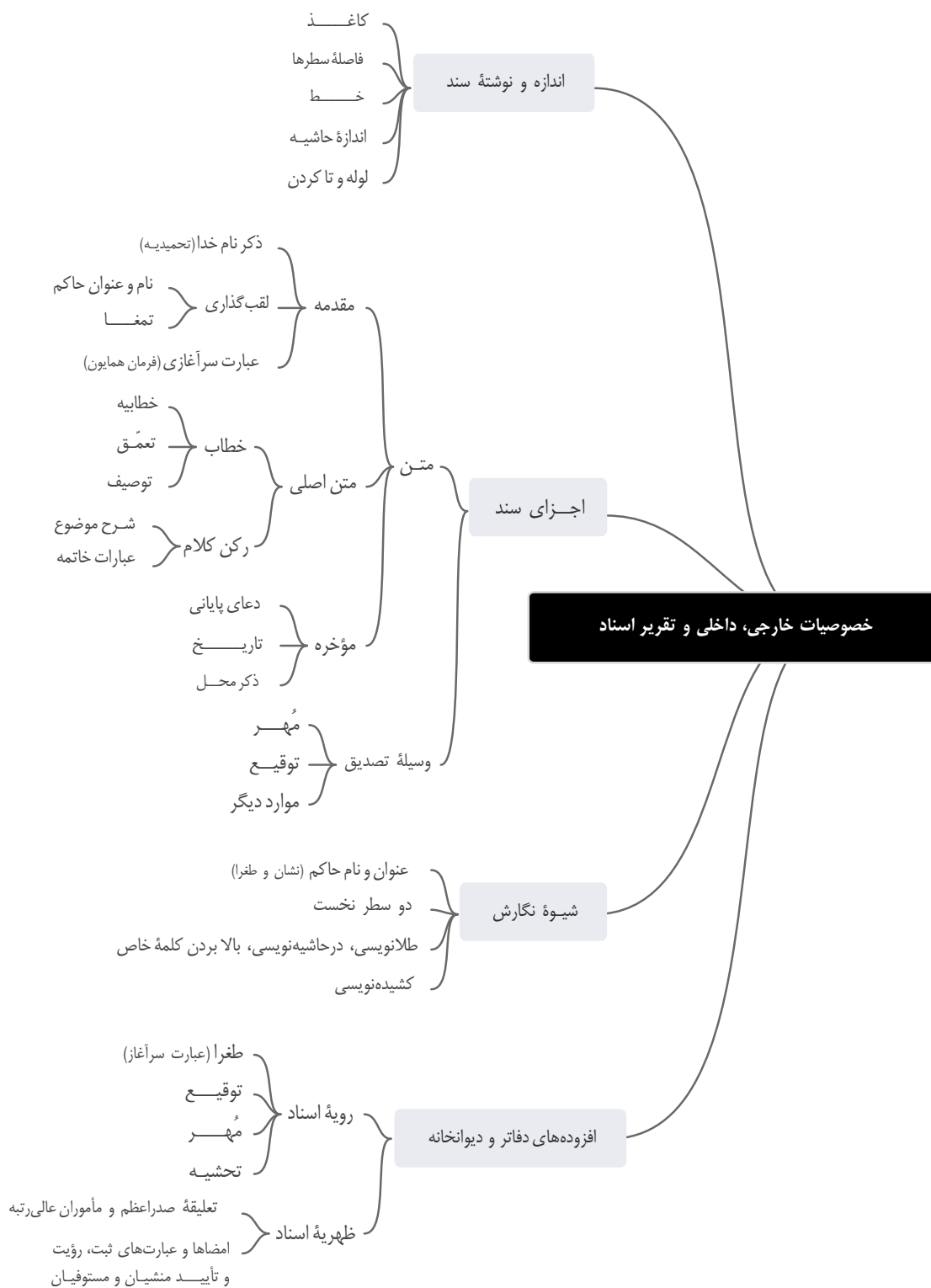
بوسه در پاره «اندازه و نوشته فرمان»، به عناصر کاغذ، فاصله بین سطرها، خط، اندازه حاشیه، لوله و تا کردن نامه برای ارسال، پرداخته (همان: ۴۶-۴۹) و در پاره «اجزاء سند»، هر سند را دارای دو بخش اساسی «متن» و «وسیله تصدیق» دانسته؛ چنان‌که «متن» دربرگیرنده سه بخش «مقدمه»، «متن اصلی» و «مؤخره» (یا «خاتمه») است. عبارت‌های «ذکر نام خدا» (تحمیدیه)، «لقب‌گذاری» (نام و عنوان حاکم و تمغا) و «سرآغاز» (عبارت‌های آغازین از قبیل فرمان همایون، حکم جهان‌مطاع و ...) مقدمه را شکل داده و مؤخره نیز «دعای پایانی»، «تاریخ» و «ذکر محل» صدور سند را در پوشش خود می‌گیرد. متن اصلی، در بخش میانی فرمان قرار می‌گیرد و خواسته قطعی حاکم را دربر دارد. متن اصلی، دارای دو زیربخش «خطاب» (اعلام به اشخاص معین و شرایط منجر به صدور سند) و «توصیف اشتیاق» (خواسته و رهنمود حاکم) است (همان: ۴۹-۵۰). بسته به نوع اسناد؛ در زیربخش اول (خطاب)، سه گونه عبارت «خطاب»، «تعمق» و «توصیف شرایط» قابل تشخیص است. پس از خطاب، «رکن کلام» («شرح موضوع» یا «توصیف اشتیاق») آمده و سرانجام به «عبارات خاتمه» (توصیه نهایی) می‌رسد (همان: ۵۹-۶۱).

---

1. Heribert Busse

بوسه اجزای مکمل سند، از قبیل مهر، توقیع و مانند آنها را «وسیله تصدیق» دانسته است (همان: ۳۷). پاره «شیوه نگارش»، به عناصر دارای ویژگی‌های تزئینی-ترسیمی (آرایه‌ای) همچون طغرا (نشان و عنوان حاکم) و چگونگی درج دو سطر نخستین (همان: ۷۱-۷۳)، ممتازنویسی (طلانویسی، درحاشیه‌نویسی، بالا بردن کلمه‌ها) (همان: ۷۳-۷۷) و کشیده‌نویسی (همان: ۷۶-۷۸)؛ در پاره «مهرهای دولتی»، به مهرشناسی (مرتبط با «وسیله تصدیق») پرداخته (همان: ۷۸-۹۵) و پاره‌های بعدی؛ یعنی «دیوان»، «دستور تأیید فرمان»، «امضاء و ثبت فرمان (توسط صدراعظم، صدر، سایر کارمندان)»، راوی کوشش پژوهشگر، برای تبیین چگونگی فرایند تولید اسناد، از تحریر تا تأیید، ثبت و صدور است. در این فرایند؛ دفاتر و دیوانخانه‌های مختلف، اجزایی بر متن می‌افزودند. این اجزا را می‌توان در دو گروه عناصر «رویه اسناد» (طغرا، توقیع، مهر و تحشیه سلطان یا مقام عالی‌مقام) (همان: ۹۶-۹۸، ۱۱۰-۱۱۱) و «ظهریه اسناد» (تعلیق صدراعظم و سایر نوشته‌ها، امضاها و عبارت‌های ثبت، رؤیت و تأیید منشیان و مستوفیان) (همان: ۱۱۷، ۱۲۳-۱۵۳) دسته‌بندی نمود.

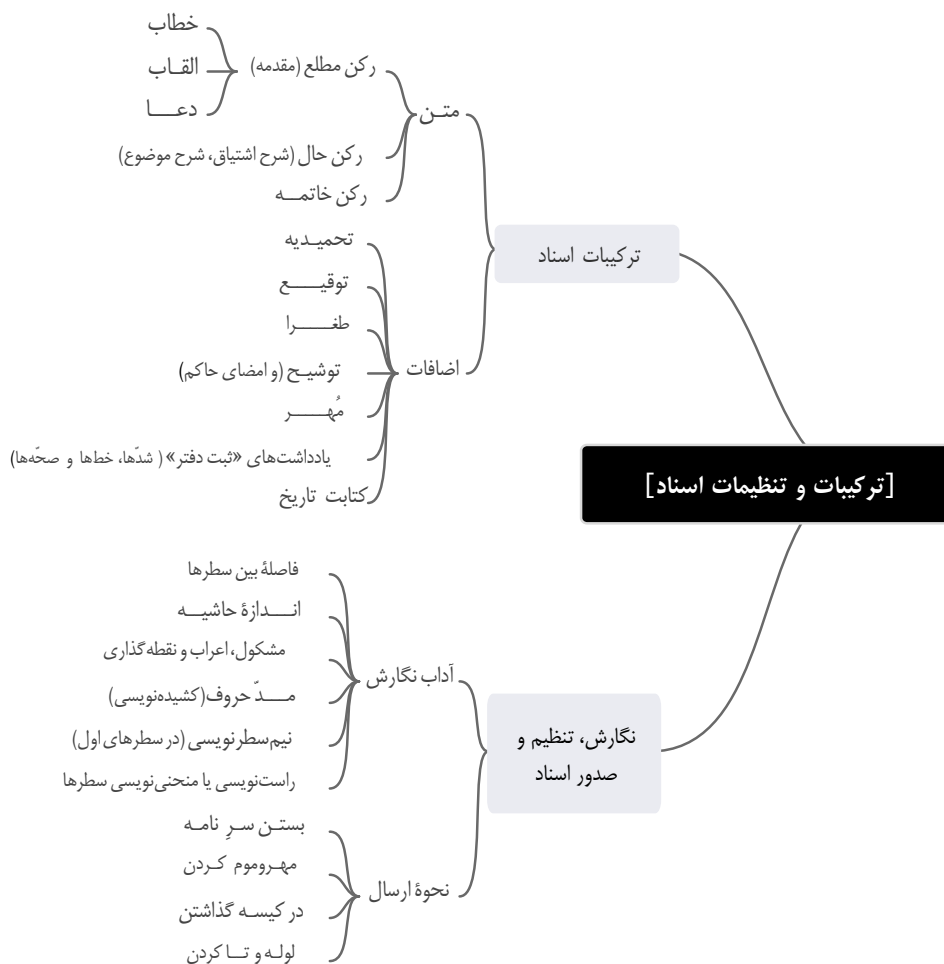
در نگاهی کلی به کتاب بوسه، باید گفت هرچند در مقدمه کتاب، بررسی ویژگی‌های خارجی، داخلی و تقریر اسناد (به طور خاص، فرمان‌ها)، در شمار مسائل سندشناسی دانسته شده؛ اما از آنجا که رایه یک معیار سندشناسی، در کانون توجه نویسنده نبوده، دسته‌بندی دقیقی از ویژگی‌های یادشده، به دست نداده است. بدین‌مایه؛ برای دسته‌بندی این ویژگی‌ها، ناگزیر باید به برداشتی از داده‌هایی که از کتاب وی به دست می‌آید، بسنده نمود. با این پیشینه، دسته‌بندی عناصر سندشناسی از دید معیار بوسه را می‌توان به شرح نمودار ۱ نشان داد.



### ۲-۳. معیار قائم مقامی

کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تألیف جهانگیر قائم مقامی (۱۳۵۰)، انجمن آثار ملی ایران) را باید نخستین کوشش ساختاریافته سندشناسان فارسی‌زبان در راستای شناخت اسناد حوزه دیوان‌سالاری ایران به شمار آورد. قائم مقامی در کنار نگارش فصل‌هایی درباره منابع و مآخذ تحقیق در تاریخ؛ آرشیو؛ انواع اسناد تاریخی؛ آداب نگارش، تنظیم و صدور اسناد؛ بررسی و تحقیق اسناد همراه با دو ضمیمه، درباره مهرهای پادشاهان ایران و طغراهای امرای افغان؛ فصل چهارم کتاب را به «ترکیبات اسناد»، اختصاص داده و در آن، به بازشناسی اجزای اسناد پرداخته است. او هر سند تاریخی را مشتمل بر دو جزء عمده «متن» و «اضافات»؛ هر یک از این دو را دربردارنده اجزاء و ارکانی دانسته و به تشریح هر یک پرداخته است (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۴۷، ۲۴۰-۱۵۳).

در بخش پنجم، با عنوان «آداب نگارش و تنظیم و صدور اسناد»، هرچند ساخت‌یافتگی فصل پیشین دیده نمی‌شود؛ اما نویسنده در جریان بازگویی مباحث، به شماری از عناصر سندشناسی اشاره نموده است. از جمله اینکه در پاره «آداب نگارش»، عناصری همچون فاصله بین سطرها؛ اندازه حاشیه؛ مشکول کردن (اعراب و نقطه گذاری)؛ مدّ حروف (کشیده نویسی)؛ نیم‌سطرنویسی (سطرهای ابتدایی)؛ راست‌نویسی و منحنی‌نویسی سطرها (در انتهای چپ به سوی بالا) (همان: ۲۶۴-۲۷۷) و در پاره «نحوه ارسال نوشته‌های دیوانی»، عناصر پوشش و محافظت اسناد از قبیل بستن سر‌نامه، مهر و موم کردن، در کیسه نهادن، لوله و تا کردن (همان: ۳۱۷-۳۲۴) را مورد توجه قرار داده است. پاره «اقلام و خطوط» (همان: ۳۲۵-۳۲۸) را باید مکملی بر عنصر مهر از پاره «اضافات» بخش «ترکیبات اسناد» به شمار آورد.



نمودار ۲: عناصر سندشناسی از دید معیار قائم‌مقامی

در نگری فراگیر به اثر قائم‌مقامی، می‌توان گفت که تمرکز وی، همچون بوسه، بر ساختار متن سند است. تجزیه و تحلیل ساختار متن، به شیوه‌ای دقیق و مفصل در بخش «ترکیبات اسناد» پیاده‌سازی شده؛ اما داده‌های مرتبط با عناصر سندشناسی خارج از متن را بایستی از طریق مرور بخش پنجم کتاب، استخراج نموده و بر پایه استنباط از محتوای اثر، در قالب یک دسته‌بندی ارائه کرد. معیار عناصر سندشناسی از نگاه قائم‌مقامی، در نمودار ۲ نمایش داده شده است.

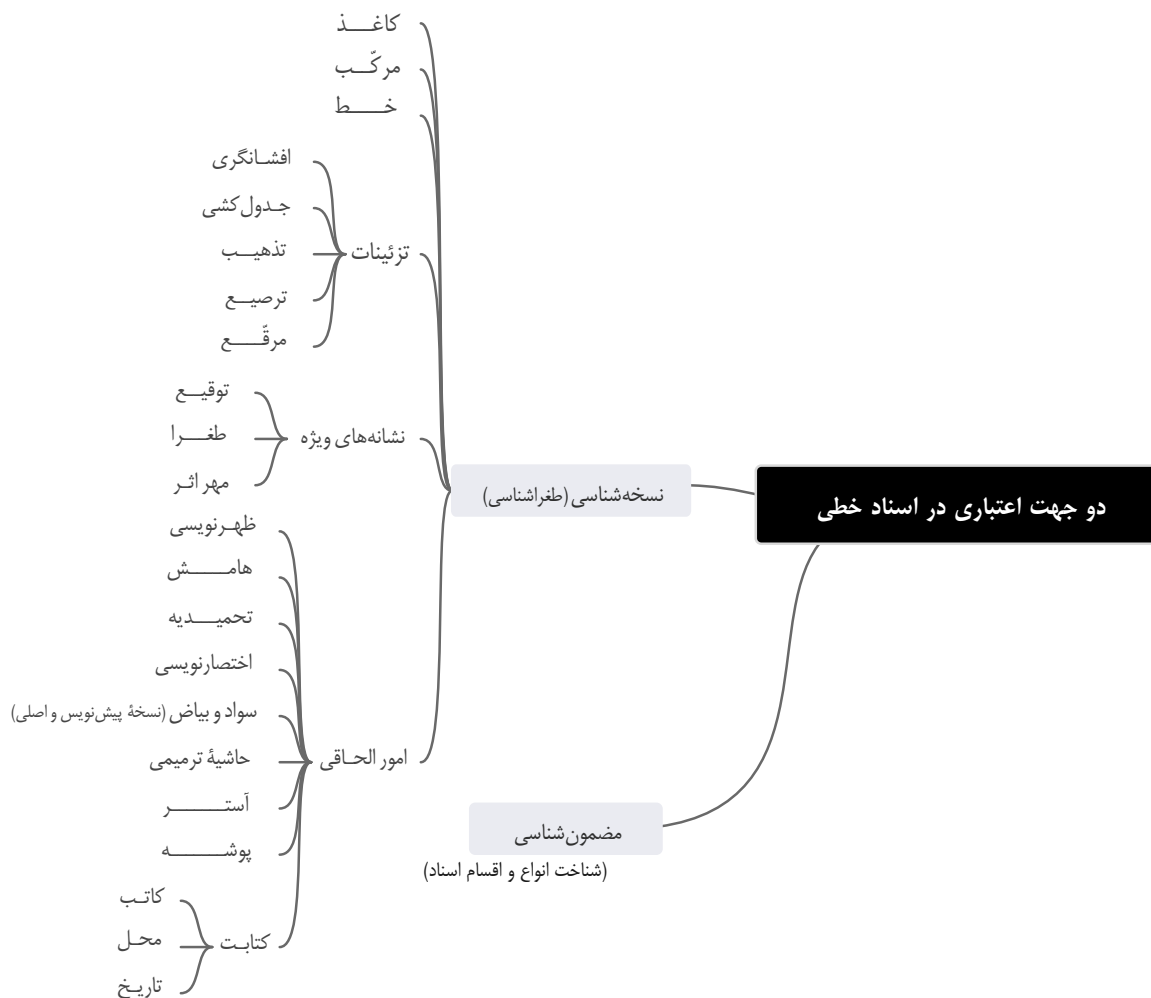
### ۳-۳. معیار خان‌محمدی

اثر شایان توجه دیگر، مقاله «روش کار با اسناد خطی» نوشته علی‌اکبر خان‌محمدی (مجله گنجینه اسناد، بهار ۱۳۷۲) است. نویسنده، مقاله را در چهار بخش، سازماندهی نموده است: الف) تاریخچه گردآوری اسناد و گونه‌های متنوع آن، ب) انواع اسناد و ممیزات تاریخی آنها، پ) دو جهت اعتباری در اسناد خطی و ت) برخی فواید جنبی اسناد خطی. خان‌محمدی در بخش «دو جهت اعتباری در اسناد خطی»، کوشیده، عناصر تشکیل‌دهنده اسناد را بازشناسی نماید. از نگاه وی؛ هر چیز را «هیئت خارجی» و «محتوا و درونش» می‌سازد و این دو مکمل یکدیگرند. بنابراین، در کار با اسناد نیز باید دو دیدگاه راه لحاظ نمود:

«یکی [یعنی، هیئت خارجی] را نسخه یا طغراشناسی سند می‌گوییم، با ارکان و اجزایی که [در ادامه] بیاید و دیگری [یعنی محتوی و درون] مضمون‌شناسی سند است که به نوبه خود مکمل مورد پیشین است و در عین حال، علت وجود سند را بازگو می‌نماید.» (خان‌محمدی، ۱۳۷۲: ۹۰)

در گفتار خان‌محمدی؛ «نسخه‌شناسی یا طغراشناسی»، مشتمل بر شناخت ظواهر و صورت بیرونی و ویژگی‌های عمده هر سند است. آنها عبارتند از: کاغذ، مرکب، خط، تزیینات (افشان‌گری، جدول‌کشی، تذهیب، ترصیع و مرقع)، نشانه‌های ویژه (توقیع، طغری، اثر مهر)، امور الحاقی (حاشیه‌نویسی، ظهرنویسی، هامش، تحمیدیه، اختصارنویسی، سوادویاض، اجزای ترمیمی متن و حاشیه کاغذ، آستر و پوشه [پوشش، لوله، محفظه یا کراسه نگهداری سند]) و امور کتابت (شامل کتابت، تاریخ و محل کتابت). امور الحاقی و کتابت، ربط مستقیمی با ظاهر یا موضوع ندارند و در بررسی سند، امور تکمیلی به شمار می‌آیند (همان: ۹۰-۹۴). خان‌محمدی در پاره مضمون‌شناسی، به بازگویی دسته‌بندی چهارگانه سلطانیات، دیوانیات، اخوانیات و اسناد مالی پرداخته و انواع اسناد مرتبط با هر دسته را در زیر آن تشریح نموده؛ چنانکه تعریف منشور، مثال، رقم، حکم، پروانچه و دستخط را در زیر دسته سلطانیات آورده است (همان: ۹۴-۹۷).

در اثر خان‌محمدی، توجهی به اجزای ساختار متن سند دیده نمی‌شود. او در قالب مبحث نسخه‌شناسی (طغراشناسی)، همراه با آرایه توضیحات سودمند؛ فقط، عناصر خارج از متن را معرفی نموده است. گفتنی است بخش «مضمون‌شناسی اسناد»، با مبحث نوع‌شناسی اسناد و نه عناصر سندشناسی، مرتبط است. عناصر سندشناسی از دید معیار خان‌محمدی، در نمودار ۳ آمده است.



نمودار ۳: عناصر سندشناسی از دید معیار خان‌محمدی

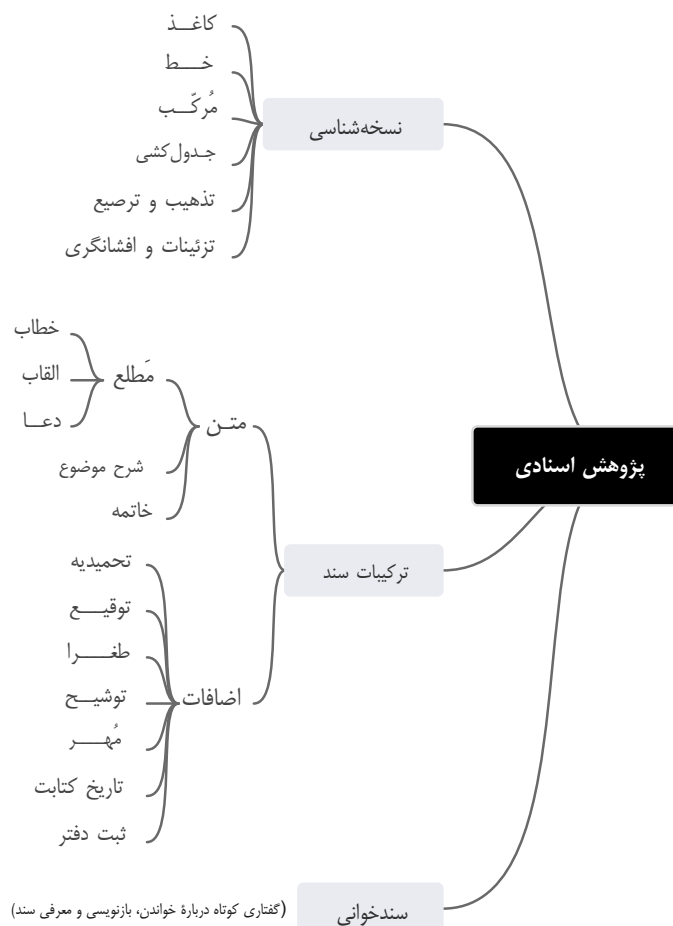
### ۳-۴. معیار فدایی عراقی

کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی*، نوشته غلامرضا فدایی عراقی (تهران: سمت، ۱۳۷۷)، دستنامه درخور توجه دیگر در حوزه بررسی عناصر سندشناسی اسناد فارسی است. این کتاب اگرچه تمرکز ویژه‌ای بر آرشیو (مبانی و تعاریف، اصطلاحات، تاریخچه، اصول و وظایف، طبقه‌بندی اسناد، مؤسسات و آموزش) دارد؛ اما در فصل هفتم که به «پژوهش اسنادی» پرداخته، این گونه پژوهش را شامل سه مرحله (۱) نسخه‌شناسی، (۲) ترکیبات سند و (۳) سندخوانی دانسته و

هر یک از بخش‌های فصل را به یکی از سه موضوع یادشده، اختصاص داده است (فدایی عراقی، ۱۳۷۷: ۱۵۷-۱۳۴).

او در بخش نسخه‌شناسی، با یادکرد اینکه شناخت اسناد با شناخت نسخ خطی، مشابهت دارد؛ از نگاه خود، بر اهمیت به‌مراتب بیشتر اصالت اسناد تأکید نموده و نوشته است: «سند ارزشمند، تنها نسخه اصلی است؛ درحالی که نسخه خطی، چه بسا نسخه بدل باشد.» (همان: ۱۳۴) نگاه نویسنده در این بخش، ناظر به عناصر ظاهری سند است و عناصر کاغذ، مرکب، خط، جدول‌کشی، تذهیب، ترصیع، تزئینات و افشان‌گری را پوشش می‌دهد (همان: ۱۳۴-۱۳۹). بخش دوم یا «ترکیبات اسناد» (همان: ۱۳۹-۱۵۶) را باید نسخه‌ای کوتاه‌شده از فصل هم‌نام در کتاب قائم‌مقامی (بنگرید: پاره ۲-۳) به شمار آورد که گویای کوشش نویسنده در راستای بازنویسی و بهینه‌سازی نوشتار قائم‌مقامی، برای خواننده دانشگاهی امروزی است.

در نگاهی فراگیر به معیار فدایی عراقی، می‌توان آن را برداشتی بهینه از مباحث «نسخه‌شناسی» خان‌محمدی و «ترکیبات اسناد» قائم‌مقامی به شمار آورد. البته باید توفیق وی در به‌دست‌دادن طرحی که عناصر درون‌متن و بیرون از متن را در دو دسته صراحتاً مجزای «ترکیبات سند» و «نسخه‌شناسی» سازماندهی نموده، یادآور شد. نمودار عناصر سندشناسی از دید معیار فدایی عراقی را می‌توان به شرح نمودار ۴ به نمایش گذاشت.



نمودار ۴: عناصر سندشناسی از دید معیار فدایی عراقی

### ۳-۵. معیار حسن آبادی

ابوالفضل حسن آبادی در کتاب *درآمدی بر سندشناسی و سندپژوهی در منابع آرشیوی* (تهران: سمت، ۱۴۰۲)، حوزه اسناد آرشیوی را در چهار فصل «انواع اسناد و اهمیت آنها»، «آرشیو و کلیات آن»، «سندشناسی» و «سندپژوهی» در بوتۀ بررسی نهاد است. فصل سوم، با تعریف سندشناسی از دیدگاه دانشوران غربی آغاز می‌شود و سرانجام به این برداشت رهنمون می‌گردد که تعاریف ارائه‌شده، برپایه سندشناسی اروپایی است؛ تاکنون، پژوهش‌های روشمندی در زمینه

سندشناسی ایرانی، انجام نگرفته و تنها کلیات آن، برپایه منشآت آموزشی دوره‌های مختلف تاریخی فراهم آمده است (حسن‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۸-۳۱).

حسن‌آبادی، بر پایه دیدگاه دورانتی، عناصر شکل‌دهنده اسناد را به عناصر یا مؤلفه‌های درونی<sup>۱</sup> و بیرونی<sup>۲</sup> دسته‌بندی نموده؛ عناصر درونی را کامل‌کننده و عناصر بیرونی را اصالت‌دهنده و اعتباربخش اسناد دانسته است (همان: ۲۹). از این نگاه؛ مؤلفه‌های درونی، با نظر به اینکه هر سند باید از چنان گویایی برخوردار باشد که هدف از نگارش سند، تحقق یابد؛ به ساختار درونی سند توجه دارند. این ساختار، در قالب تنظیم و نگارش سند، بروز می‌یابد؛ به گونه‌ای که کم و زیاد شدن یکی از اجزاء، نظم منطقی میان آنها را بر هم می‌زند (همان: ۳۳). نویسنده در بازشناسی مؤلفه‌های درونی، با نظری ویژه به مبحث «ترکیبات اسناد» کتاب قائم‌مقامی و نگاهی به متون منشآت و آثار برخی پژوهشگران معاصر، بحث را گسترانیده (همان: ۳۱-۳۷) و سرانجام، یادآور شده که الگوی درون‌نوشتاری (مؤلفه‌های درونی)، با نظر به دوره تاریخی، وابستگی جغرافیایی - فرهنگی و شیوه نگارشی شخصی، اداری، مالی، حقوقی یا شرعی، متفاوت بوده و برای فهم سند، می‌بایست در این تفاوت‌ها ژرف‌نگری و دقت ویژه‌ای را لحاظ نمود (همان: ۳۸، ۳۴).

مؤلفه‌های بیرونی، ظاهر سند را در کانون نگاه نهاده و پدیدآورنده ساختار بیرونی سند می‌باشند و به گفتاری دیگر؛ آن عناصری هستند که در نگاه اول به اسناد، به چشم آمده و بدون خواندن سند، قابل بررسی است. تحلیل مؤلفه‌های بیرونی؛ درک فرایند تولید اسناد، پیوند بین آن‌ها، فهم تغییرات اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌سازد. رسانه یا محمل (شامل کاغذ)، خط، زبان، علائم خاص (لوگو، شعارها و نمادهای خاص)، مهر و تحشیه‌ها<sup>۳</sup> (یا الحاقیات و اضافات؛ بنگرید: همان: ۴۱) از مهم‌ترین مؤلفه‌های بیرونی هستند (همان: ۴۰-۴۱). همچنین، به نظر می‌رسد حسن‌آبادی، با وجود یادکرد اینکه طغرا، توشیح و امضاء، از الحاقات سند هستند؛ اما با گنجاندن آنها در میان مؤلفه‌های بیرونی (نه دقیقاً در زیر پاره «الحاقیات یا اضافات») (همان: ۵۴-۵۸)؛ تا اندازه‌ای با دیدگاه دورانتی که این دست اجزا را در دسته عناصر بیرونی نهاده (همان: ۳۱، ۴۱؛ Duranti, 1991:10)، همراهی نموده است. باید یادآور شد که او به ناسازی رویکرد برخی پژوهشگران با این دیدگاه اشاره نموده (همان: ۴۱، ۳۲) و همچنین پاره‌ای را نیز به «الحاقیات یا

---

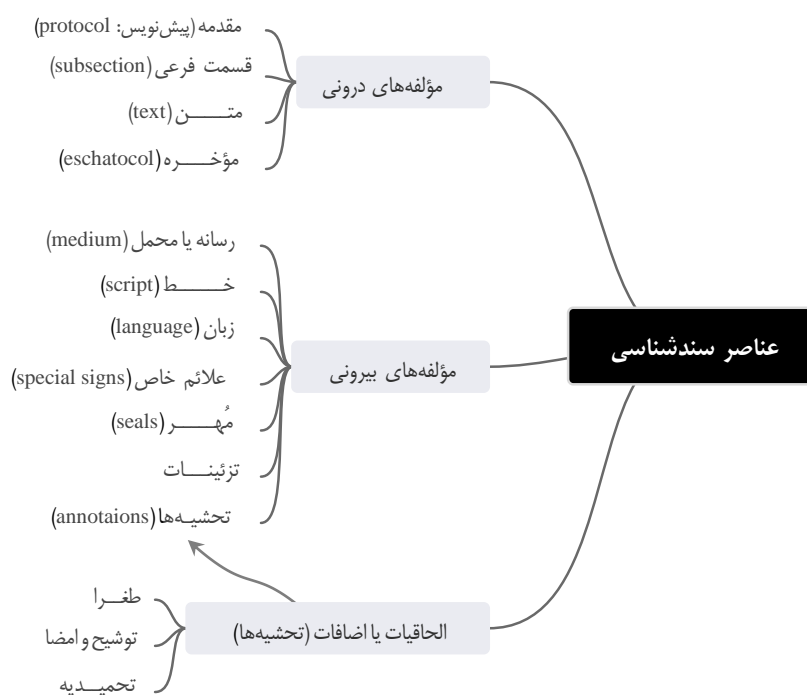
1. extrinsic elements

2. intrinsic elements

3. annotations

اضافات» اختصاص داده است. او آنها را چیزهایی غیر از متن اصلی دانسته که در پی انجام فرایندهای اداری و دیوانی، به سند افزوده می‌شوند و نمی‌توان به تناسب محتوا درباره درونی یا بیرونی بودن آنها، تمایزی قائل شد (همان: ۵۸).

کتاب *درآمدی بر سندشناسی و سندپژوهی در منابع آرشیوی*، در نگاهی کلی، می‌تواند به مثابه کوششی در راستای پیاده‌سازی معیار دورانتی برای بررسی اسناد ایرانی به شمار آید. البته با وجود نگاه فراگیر به موضوع و بهره‌گیری شایان از متون قدیم منشآت و پژوهش‌های معاصر ایرانی و غربی، به نظر می‌رسد در برخی جاها از جمله تبیین صریح عناصر درونی و تعیین قطعی مرز عناصر بیرونی و الحاقی، با اندکی ابهام روبروست. معیار عناصر سندشناسی حسن‌آبادی، با نگاهی ویژه به معیار دورانتی، به شرح نمودار ۵ نشان داده شده است.



نمودار ۵: عناصر سندشناسی از دید معیار حسن‌آبادی-دورانتی

### ۳-۶. نگاهی کلی به معیارهای پنج گانه

در نگاهی فراگیر به معیارهای پنج گانه (بوسه، قائم مقامی، خان محمدی، فدایی عراقی، حسن آبادی)<sup>۱</sup> و هم‌سنجی نمودارهای مرتبط؛ آنچه پیش از هر چیز، خود را نشان می‌دهد، گونه‌گونی و ناهمسانی در به کارگیری تعابیر و اصطلاحات تخصصی یکسان، در بیان و اشاره به واقعیت‌هایی است که بر مفهومی یگانه، اطلاق دارند. به عنوان نمونه؛ بوسه، عناصری را که مفصل‌بندی و عبارت‌بندی متن سند را تشکیل می‌دهند، زیر عنوان «اجزای سند»؛ قائم‌مقامی «ترکیبات سند» و حسن آبادی، «مؤلفه‌های درونی» شناخته است.

دیگر، باید گفت که تشخیص و شناسایی واقعیت‌های یکسان یا همگن و قرار دادن آنها در گروه‌ها یا دسته‌های همسانی یا همگنی، در راستای فراهم‌آوری بستر بررسی و هم‌سنجی ویژگی‌های آنها، یکی از الزامات مطالعه و شناخت علمی است. با این درآمد باید گفت که اندازه‌ای از گوناگونی و حتی در برخی موارد، کاستی‌هایی در معیارهای پیش‌گفته، نمایان است. به عنوان نمونه، بوسه در مبحث «اندازه و نوشته سند» به عنصر «حاشیه» و اندازه آن نگریسته و در همان مبحث، به عناصر دیگری همچون کاغذ، فاصله سطرها، خط و لوله کردن پرداخته؛ در حالی که مبحث «آداب نگارش» قائم‌مقامی، مایه‌های همگن‌تری همچون اندازه حاشیه، فاصله بین سطرها، مشکول کردن، مدّ حروف، نیم‌سطرنویسی و منحنی‌نویسی را دربر می‌گیرد. آنگاه، شایان توجه خواهد بود که در سه معیار دیگر، جای عنصر «حاشیه» خالی است. نمونه‌ای دیگر: بوسه، عنصر تاریخ‌گذاری سند را در مبحث «مؤخره» در زیر دسته «اجزای سند/ متن» دیده و قائم‌مقامی، فدایی عراقی و خان محمدی آن را در شمار «اضافات» و «امور الحاقی» سند دسته‌بندی کرده‌اند. دیگر: نبود دسته‌ای که عناصر خارج از متن را بازشناسی نماید، در معیار خان محمدی؛ همچنین نبود تصریح در همین زمینه، در معیارهای بوسه و قائم‌مقامی؛ بیانگر اندازه‌ای از کاستی و نارسایی در بازتاب تمام‌نمای عناصر سندشناسی است.

---

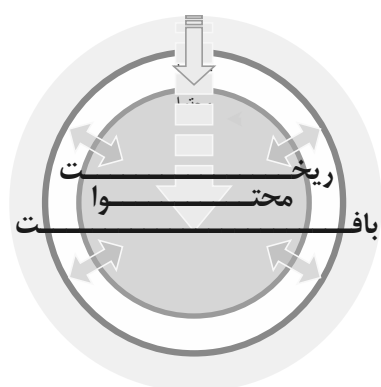
۱. باید یادآوری نمود اثر برجسته دیگر در زمینه بازشناسی عناصر اسناد ایرانی، کتاب *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار* (تألیف امید رضایی، مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقای دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، ۱۳۸۷) است. این اثر یگانه و ارزشمند در زمینه اسناد شرعی ایرانی، با نظر به تفاوت‌های ماهوی میان اسناد شرعی با اسناد دیوانی؛ همپوشانی بسنده‌ای با اهداف پژوهش حاضر برقرار نمی‌نماید.

از نگرشی دیگر، می‌توان به ابهام در سبب قرار گرفتن عناصر در یک دسته‌بندی خاص اشاره نمود. به‌عنوان نمونه؛ قائم‌مقامی و فدایی عراقی، عنصر «اثر مهر» را در دسته «اضافات» آورده‌اند و حسن‌آبادی، آن را هم گروه با «رسانه» (شامل کاغذ) و «تزیینات»، در دسته «مؤلفه بیرونی» نهاده است. در این‌گونه موارد، پرسشی پا به میدان می‌گذارد، اینکه: چه مبنایی، انگیزه هم‌گروهی یا هم‌دستگی عناصر سندشناسی بوده است؟ آیا باید پنداشت که هر عنصری و بدون لحاظ هر میزان اهمیت و یا چگونگی کارکردش در ایفای نقش و مأموریت سند، تنها با این نگره که در متن سند نیامده، باید در دسته «اضافات» قرار گیرد؟ این پرسش را پیرامون «مؤلفه بیرونی» قلمداد کردن برخی عناصر، بر مبنای واقع‌شدن در خارج از نوشتار متن و به چشم آمدن در نگاه اول به سند، نیز می‌توان طرح نمود. به نظر می‌رسد چنین ابهام‌هایی، برآمده از مبانی نظری است که بر پایه آن، ماهیت عناصر سندشناسی، مشخص و دسته‌بندی می‌شود.

مقاله حاضر، کوششی در راستای فرآوری چارچوب نظری، بر پایه نگرشی مستدل است که دقت و جامعیت بهینه‌ای را برای برساختن معیار فراگیر عناصر سندشناسی فراهم نماید. این پژوهش، فرآوری مفاهیم «رویکرد متن‌بنیان» را به منظور کاربست آنها در معیار عناصر سندشناسی، در پیش گرفته است.

#### ۴. چارچوب نظری رویکرد متن‌بنیان

از چشم‌انداز رویکرد متن‌بنیان؛ هر سند، یک ساخت متنی است که در دو لایه «محتوا» و «ریخت»، نمودار می‌گردد. ریخت، محتوا را قالب‌بندی و مقید می‌نماید و در این میان، تولیدکننده متن با بهره از قواعد بازنمایی متأثر از «بافت»، یعنی شرایط سیاسی، فناوری و گفتمان‌های حاکم در زمان خود، محتوا را تدوین و تنظیم یا به عبارتی، ریخت‌بندی نموده و رسانه مکتوب سند تاریخی را سامان می‌دهد. این تعریف از سند که چشم‌اندازی فرانگر به مفاهیم رویکرد متن‌بنیان، در پیش می‌نهد؛ فهرست فشرده مندرجات مفاهیم این دیدگاه، به شمار می‌آید.



#### ۱-۴. سند، از رسانه تا متن

ماهیت سند به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام به مخاطب، آن را به عنوان مصداقی از مفهوم «رسانه» نمودار می‌سازد. به طور خاص؛ اسناد دیوانی از دیدگاه ماهیت رسانه‌شناسی<sup>۱</sup> در زمره رسانه‌های فیزیکی دست‌ساخته<sup>۲</sup> مکتوب قدیمی یا غیرانتشاری (حبیب‌زاده ملکی و عبدالرحمانی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹) و در رده سوم فرایند تکاملی رسانه‌ها<sup>۳</sup> طبقه‌بندی می‌شوند. تبار رسانه‌های مکتوب، شامل نامه‌ها، طومارها و ...، به دوره پدیدآیی رسانه‌های مبتنی بر نشانه‌های الفبایی، یعنی دوران الواح گلی، در حدود ۳۵۰۰ ق.م می‌رسد (پری، ۱۳۹۴: ۱۷-۲۰).

سند دیوانی، در جایگاه یک رسانه، حامل یا محمل پیام‌هایی است که از دید دانش ارتباط‌شناسی،<sup>۴</sup> ماهیتی زبانی<sup>۵</sup> اما بدون تکلم دارند و در ردیف پیام‌های کلامی بی‌صدا<sup>۶</sup> دسته‌بندی می‌شوند (محسنیان راد، ۱۳۹۹: ۱۸۸-۱۸۹). از این دیدگاه؛ سه عنصر نشانه‌ها، نحوه آرایه و محتوا، پدیدآورنده پیام هستند. «محتوا» به خودی‌خود، وجود ندارد بلکه آمیزه‌ای از نشانه‌ها و نحوه آرایه است. «نشانه»<sup>۷</sup>، شکل یا علامتی است که بر معنایی دلالت می‌نماید، مانند شکل نوشتاری یک واژه که از علائم حروف الفبا تشکیل شده و معنای مشخص آن واژه را به ذهن می‌آورد یا نقش‌ونگار خاص یک تمغا بر روی یک چیز، که نشانگر وابستگی آن به یک طایفه خاص از ترکمانان است. «نحوه آرایه»<sup>۸</sup>، تصمیم‌هایی است که منبع ارتباط، یعنی تولیدکننده سند، برای انتخاب، تنظیم و ترتیب نشانه‌ها یا نمادها در راستای چگونگی انتقال و تأثیرگذاری محتوا به/در مخاطب اتخاذ می‌نماید (محسنیان راد، ۱۳۹۹: ۱۹۵-۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۶۱). نحوه آرایه محتوا را می‌توان بر مفهوم «بازنمایی»<sup>۹</sup> در دانش نشانه‌شناسی<sup>۱۰</sup> تطبیق داد و آن، فرایند ثبت ایده‌ها، دانش یا پیام‌ها به شکل فیزیکی و به گفتاری دیگر: بهره‌گیری از نشانه‌ها برای گفتن، تصویر، ترسیم

---

1. medialogy

2. artifactual

۳. رده‌های یادشده، عبارتند از: گرافیک (pictographic)، شفاهی، مکتوب، چاپی، شنیداری، دیداری و دیجیتال.

4. communicology

5. linguistic (شامل نوشتار)

6. verbal/ non vocal messages

7. code

8. treatment

9. representation

10. semiotic

یا بازتولید چیزی است که به شکل فیزیکی؛ درک، احساس، تصور یا لمس شده است (دانسی، ۱۳۸۷: ۲۰). محصول نهاییِ بازنمایی، یک داستان است که یک «متن» خوانده می‌شود. متن در قالب‌های گوناگونی همچون گفت‌وگو، نامه، سخنرانی، شعر، نقاشی، نظریه علمی، موسیقی و ... نمود می‌یابد (همان: ۸۰-۸۱).

تا اینجا، باید گفت که یک سند، یک رسانه و البته، یک متن است و این برداشت، نگره «رسانه مکتوب سند، چونان متن» را برمی‌سازد. بر پایه این نگره، هر یک از انواع اسناد، یک محصول بازنمایی مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا یک متن شناخته می‌شوند. به سخن دیگر؛ هر سند به مثابه متن، مشتمل بر شیوه‌ای از انتخاب، تنظیم و ترتیب اجزا یا عناصر یا دال‌های کلامی (نوشتار)، شکلی (جدول کشی، تذهیب، افشانگری و دیگر آرایه‌ها) و ترکیبی (آمیخته‌ای از نوشتار و شکل: اقلام خط، طغرا، مهر، کشیده‌نویسی و ...) است که این مجموعه، «ریخت» سند را تشکیل داده و این عناصر، متأثر از «بافت» اجتماعی، سیاسی و فناوری زمان خود، در راستای بیان «محتوا» یا دلالت بر هدف محتوایی منبع ارتباط یا تولیدکننده سند، سامان یافته‌اند.

#### ۴-۲. مسئله محتوا

بیان محتوا<sup>۱</sup> هدف اصلی و غایی تولیدکننده سند است. محتوا از دید بررسی فرایند ارتباطی ناظر به ارزش اولیه، یعنی بهره‌برداری اداری و حقوقی، و ارزش ثانویه، یعنی بهره‌گیری اطلاع‌یابی و گذشته‌پژوهی<sup>۲</sup> نیز در کانون ماهوی این رسانه مکتوب قرار می‌گیرد. بدین‌مایه، چه از دید پدیدآورنده و چه از نگاه بهره‌بردار؛ محتوا عنصر کانونی است.

مفاد، مضمون یا مفهوم هر اثر، محتوای آن است و آن را می‌توان در مقابل شکل (ریخت)<sup>۳</sup> قرار داد و اگر ریخت، به منزله یک ظرف باشد، محتوا مظروف یا آن چیزی است که ظرف را پر می‌کند. ریخت؛ روش، طرز تنظیم و هماهنگ‌سازی اجزاء، در راستای بیان محتوای اثر است و به بیان دیگر؛ «محتوا» بر آنچه اثر ارایه می‌دهد و «ریخت»، بر چگونگی یا الگوی ارایه محتوا،

---

1. content

۲. برای آگاهی بیشتر تر پیرامون ارزش اولیه و ارزش ثانویه اسناد، بنگرید: Shepherd and Yeo, 2003: 148-149

۳. در پانویسی با عنوان form در بخش مقدمه، به انگیزه کاربرد واژه «ریخت» به جای «شکل» در این مقاله پرداخته شده است.

متناظر است. ریخت، مرکب از اجزای ترکیب‌کننده‌ای است که بنا بر قواعد مورد نظر یا مرجع پدیدآورنده اثر، با هم ترکیب و متشکل می‌شوند (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۳۸، ۱۸۵-۱۸۶). بدین‌روی هر سند، مشتمل بر مفاهیمی است که به یاری شیوه تنظیم و ترتیب، در قالب یک متن نمودار می‌گردد و این مفاهیم، محتوای سند هستند؛<sup>۱</sup> اما چنان‌که در مباحث سندشناسی آمده، «مطالعه محتوای سند، خارج از قلمروی سندشناسی است؛ زیرا این دانش می‌کوشد با بررسی عناصر مختلف سند؛ اصالت، صحت، اعتبار و تمام‌نمای مفهوم آن را دریابد.» (Duranti, 1989: 28).

(16)

البته باید در پیش چشم داشت که تمرکز سندشناسی نه بر محتوا، بلکه بر بافت<sup>۲</sup> و ریخت اسناد (Duranti, 1989: 29/ 13) نه تنها بیانگر فلسفه وجودی این رشته است که در اوان کار خود، برای دریافتن اصالت<sup>۳</sup> اسناد پدید آمده (Skemer, 1989: 377)؛ بلکه از راه همین دگرش‌نگرش به سند است که مرزهایش را با رشته‌های مشابه، ترسیم نموده است. البته این رویکرد ویژه، به معنای نادیده‌انگاشتن محتوا در رشته سندشناسی نیست؛ چرا که از نگاه سندشناس، اصالت سند، ارتباطی تنگاتنگ با واقعیت‌های تاریخی دارد. بدین‌پایه تناقض محتوای سند با واقعیت‌های تاریخی (زمان، مکان، شخصیت‌ها، رویدادها و ...)، اصالت سند را زیر سؤال می‌برد (Gallo, 2024: 26-27) و چنین سندی، از دیدگاه ارزشیابی سندشناسی؛ بی‌بهره از قابلیت اعتماداً شناخته می‌شود (Duranti, 2017: 2/1442). بنابراین هرچند که عنصر محتوا، چونان‌که در حوزه‌های مطالعاتی مبتنی بر اسناد، در کانون بهره‌برداری پژوهشی است، بر روی میز تحلیل سندشناس قرار نمی‌گیرد؛ اما آشکار است که او در راستای سنجش همخوانی هر یک از اجزای ریختی، محتوایی و بافتی سند با واقعیت‌های تاریخی؛ همواره، در رفت‌وآمدی نستوه، میان سند و منابع تاریخی است.

---

۱. در همین راسته باید به تحلیل محتوا (content analysis) به عنوان روشی برای مطالعه مفاهیم متن اشاره کرد که در آن، به فراوانی مفهوم‌ها و روابط معنایی میان مفهوم‌ها پرداخته می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۱۵).

2. context

3. authenticity

4. trustworthiness

#### ۳-۴. بافت و ریخت متن

انگاره تمرکز سندشناسی نه بر محتوا بلکه بر بافت و ریخت اسناد (Duranti, 1989: 29/ 13). آنها را در جایگاه مباحث بنیادین این رشته نمایان می‌سازد.<sup>۱</sup>

#### ۱-۳-۴. بافت

اصطلاح «بافت»، به عناصری که پیش و پس از چیزی واقع شده و محیط آن را می‌سازند (داد، ۱۳۸۵: ۷۱) اوضاع و احوال ویژه‌ای که عمل یا رویدادی در آن، وقوع یافته (صلیبی، ۱۳۸۲: ۶۱) و یا موقعیتی فیزیکی، روان‌شناختی و اجتماعی که متن، در آن ساخته شده یا از آن برآمده (دانسی، ۱۳۸۷: ۸۱)، اشاره دارد. در همین راستا تحلیل متن<sup>۲</sup>، روشی برای دریافتن درستی، سندیت و اصل معنای مورد نظر در متن است و به پرسش، پیرامون «پدیدآورنده متن» (شامل هویت؛ نقش و جایگاه؛ مخاطب بالقوه؛ انگیزه و قصد؛ موضع؛ ادعا و تز؛ سوگیری‌ها)، «درونمایه متن» (حوزه گفتمانی یا انگاره‌ای؛ مسئله مورد توجه؛ ارتباط آن با متن‌های دیگر؛ کاربرد آن برای نویسندگان دیگر) و «شواهد و مدارک متن» (شناسایی آنها، درستی و سندیتشان؛ دلایل اعتماد یا بی‌اعتمادی به آنها؛ انکارها، ابطال‌گیری‌ها، اقناع‌ها و اثربخشی‌شان) می‌پردازد (میرزایی، ۱۳۹۳: ۳۱۵-۳۱۴). با تطبیق پرسش‌های تحلیل متن بر مباحث عمده رشته سندشناسی؛ دست‌کم بررسی‌های تباری، تکوینی، جعل و تاریخ‌گذاری (بنگرید: بخش ۱، بند ۲) را می‌توان در پوشش

---

۱. بافت و ریخت، برابر فارسی *form* و *context* است که در مقاله دورانتی به کار رفته‌اند. بازبینی واژه‌نامه‌ها برابرهای پرشماری برای هر یک از آنها در دسترس می‌نهد (به عنوان نمونه، بنگرید: حق شناس، ۱۳۸۱: ۲۹۷/۱، ۶۱۴/۱؛ آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۶: ۲۸۳، ۵۵۶). در پانویسی در مقدمه مقاله حاضر، به سبب به کارگیری واژه ریخت به عنوان برابر *form* پرداخته شد. برابر فارسی «بافت»، برای *context* انگلیسی نیز از آنجا که با مفهوم ریشه *text* همخوانی می‌یابد (بنگرید: پاره ۱-۴، بند ۳)؛ از دید رویکرد متن‌بنیانی، معادلی درخور است. باید افزود که هر دو واژه بافت و ریخت، بومی زبان فارسی‌اند. گفتنی است در برخی منابع، «زمینه» را برابر *context* آورده‌اند (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۷۰؛ عضدانلو، ۱۳۹۱: ۱۱۸)؛ از آنجا که این واژه، با مفهومی متفاوت، بر دسته سوم عناصر معیار متن‌بنیان نهاده شده (بنگرید: پاره ۳-۵)، درخور کاربرد در اینجا نخواهد بود.

روش تحلیل متن آورد. بدین‌مایه مطالعه تحلیل‌متنی، تا اندازه‌ای با بررسی بافت سند همپوشی می‌یابد.

جستارگری در ابعاد بافتاری سند، یکی از کارویژه‌های سندشناس است. به عنوان نمونه؛ بافت‌شناسی یک سند دیوانی، با پاسخگویی به پرسش‌هایی مرتبط با بافت دیوان‌سالاری<sup>۱</sup> همراه است که مستلزم پژوهیدن در زمینه‌های پیشینه‌های فکری و حقوقی؛ مفاهیم اداری و قانونی (یا شرعی)؛ ساختارها و رویه‌های سازمانی و جاری خواهد بود (Duranti, 1990: 30/9). بافت اسناد، زمینه‌های گوناگونی را از شخص پدیدآورنده / پدیدآورندگان گرفته تا حوزه‌های گسترده‌تر آراء و تعالیم حقوقی جامعه پدیدآور و نموده‌های آنها در محتوا و ریخت اسناد را در بر می‌گیرد. افزون بر بافت مستندسازی<sup>۲</sup> (وابستگی به یک گروه سندی)، حقوقی - اداری<sup>۳</sup>، نهادحاکمیتی<sup>۴</sup>، رویه-آیین‌نامه‌ای<sup>۵</sup>، وابستگی آرشیوی و فناوری، می‌توان بافت‌های دیگر تاریخی، سیاسی-حاکمیتی، فرهنگی-اجتماعی، سازمانی و ... را در شمار زمینه‌های بافتی اسناد، در نظر داشت (Duranti, 1989: 28/11, 1990: 30/13, 2017: 1444-1445, 1990: 31/12,14, 1991: 33/6, 12, 13). بدین ترتیب سندشناسی، نه تنها تأکید ویژه‌ای بر شناخت بافت اسناد دارد بلکه در کنار آن، با بافت‌زدایی<sup>۶</sup> عناصر ایجادکننده سند (عناصر ریختی) را از بافت، بیرون کشیده و بستر شناسایی و بررسی آن عناصر را فراهم می‌کند (Duranti, 1991: 33/17, 1990: 31/11). بافت‌زدایی اسناد؛ فرایند آهنگش<sup>۷</sup> و هم‌ست‌کاری<sup>۸</sup>، به منظور دریافتن ناهمخوانی‌های<sup>۹</sup> قابل تشخیص و البته، درک روابط اجزای سند است که در راستای تعمیم (شمول ساخت‌ها و اجزای همسان) به انجام می‌رسد (Duranti, Ibid). باید یادآوری نمود که همگام با این فرایند، محتوا نیز نادیده انگاشته شده و می‌توان گفت در اینجا است که دو انگاره سندشناسی، یعنی

- 
1. bureaucratic context
  2. documentary
  3. juridical-administrative
  4. provenancial
  5. procedural
  6. decontextualization

۷. abstraction: جداسازی جزئیات متفاوت از کلیات همایند.

۸. systematization: رده‌بندی، طبقه‌بندی.

9. contradiction

کوشش در نادیده‌انگاری محتوا و دریافت همانندگی‌های اجزای سند، با هم تقاطعی هم‌رانه یافته و بستر بررسی و شناخت ریخت اسناد را فراهم می‌آورند.

#### ۴-۳-۲. ریخت

پیش‌تر، به واژه *form* و انگیزه نهادن واژه «ریخت» به عنوان برابر فارسی آن، پرداخته شد.<sup>۱</sup> *forms* از دیدگاه علوم اجتماعی، نماها یا شکل‌های بیرونی چیزی هستند که تعیینی، قائم بر محتوا دارند (میرزایی، ۱۳۹۳: ۷۲۷). *فُرم* در علوم ادبی به شکل ظاهری، ساختمان و سبک اثر اشاره دارد (داد، ۱۳۸۵: ۳۷۲) و به گفتاری دیگر، نظم یا هیئت بیان محتوا؛ روش، طرز تنظیم و هماهنگ کردن اجزای یا روش رایه اثر است. برخی، آن را قالب از پیش ساخته‌ای دانسته‌اند که مقدم بر محتوا و جدا از آن، وجود دارد و پدیدآور، محتوا را در آن می‌ریزد و به عبارتی، اثر خود را مطابق با الگوی آن، نظم می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

از دیدگاه سندشناسی؛ ریخت یا *فُرم* سند، عناصری را دربر می‌گیرد که از راه قواعد بازنمایی از قبیل دستورالعمل (عبارت‌بندی)، سبک نگارش (دیوانی و ادبی)، زبان تخصصی (اصطلاحی)، شیوه بیان و ... منتقل یا توصیف می‌شوند. از نگاهی دیگر؛ عناصر ریختی (قواعد بازنمایی) که بخش جدایی‌ناپذیر سند مکتوب هستند، بیانگر عزم پدیدآور سند در راستای انتقال انگاره‌ها و حقایق برآمده از ساختارهای سیاسی، حقوقی، اداری، اقتصادی، عادت و اسطوره‌ها (ی مرجع وی) بوده که بر قامت محتوا، تنظیم شده و آن را مقید کرده‌اند. این قواعد بازنمایی را بر دو دسته دانسته‌اند: یکی، «عناصر بیرونی»، دربرگیرنده ویژگی‌های صوری<sup>۲</sup> که نمود ظاهری سند را شکل داده و شامل عناصر رسانه (محمل)، خط، زبان، علائم خاص، مهرها و تحشیه‌ها می‌شود. دیگری؛ «عناصر درونی» که نشانگر مفصل‌بندی سخن<sup>۳</sup> بوده و در سه بخش کلی مقدمه

---

۱. در دو پانویس در بخش ۱ (توضیح واژه *form*) و پاره ۳-۴ (توضیح عبارت «بافت و ریخت») به این مایه پرداخته شده است. این واژه، برگرفته از *forme* فرانسوی باستان و برآمده از *forma* لاتینی به معنی *shape* (شکل، ریخت، هیئت) و *contour* (طرح، نما، منحنی تراز) است. برخی ریشه‌شناسان، این واژه را معکوس آوایی *morphē* یونانی، منشأ *morphology* (ریخت‌شناسی، ساخت واژه) پنداشته‌اند (آبتو، ۱۳۸۶: ۵۲۱).

2. formal characteristics

3. articulation of the discourse

(پروتکل)، متن و مؤخره (اسکاتکل) با لحاظ زیربخش‌هایشان، بازشناخته می‌شوند (Duranti, 1989: 28/15, 2017: 1446).

تا اینجا به فرآوری مفاهیم مرتبط با انگاره «سند، چونان متن» پرداخته شد. برپایه این انگاره، سند در سه بُعد «محتوا» (پیام متن)، «بافت» (محیط متن) و «ریخت» (صورت و ترکیب متن) شناسایی گردید. آنچه در بخش جاری گذشت، همراه با بنیان یک چارچوب نظری برای مطالعه سندشناسی؛ «ریخت» یا «عناصر ریختی» را به عنوان موضوع اصلی و کانون بررسی سندشناسی نمودار می‌سازد. این مبانی نظری، چیزی است که جای آن در معیارهای سندشناسی اسناد ایرانی خالی به نظر می‌رسد. با یادآوری اینکه در پاره ۶-۳ به پیامدهای نبود مبانی نظری مشخص در زمینه تشخیص و دسته‌بندی عناصر سندشناسی پرداخته شد؛ در دنباله نوشتار، به گسترش و فرآوری مفاهیم در بخش عملیاتی رویکرد متن‌بنیان به سندشناسی، یعنی بُعد ریختی و یا عناصر ریختی پرداخته خواهد شد. در این مایه، بازگویی گفتاری از سندشناس ایرانی، محسن روستایی، دریچه‌ای درخور، به سوی فرآوری مفاهیم و پدیدآری فرانمای معیار متن‌بنیان خواهد گشود:

«به کمک علم سندشناسی، می‌توان سبک‌شناسی و آیین نگارش اسناد عرفی و شرعی را «متن‌شناسی» کرد و در این میان؛ ترکیب سند، شامل متن و اضافات (تحمیدیه، توشیح، توقیع، مهر، دفتری کردن، تاریخ کتابت، طغرا و ...) می‌تواند در تشریح پیکرشناسی اسناد، نقش به‌سزایی داشته باشد.» (روستایی، ۱۳۸۹: ۴۵)

##### ۵. گسترش مفاهیم و سازماندهی دسته‌بندی عناصر سندشناسی متن‌بنیان

پرداختن به ریخت اسناد، از درآیش پژوهش، به عرصه فنی و تخصصی سندشناسی نشان می‌دهد؛ چرا که عناصر ریختی، موضوع کار سندشناس و آن چیزی است که بر روی میز کارگاه سندشناسی قرار می‌گیرد. رویکرد متن‌بنیان؛ با شناسایی سند به مثابه متن، زمینه‌های مفهومی بازشناسی سه بُعد متنی، «محتوا»، «ریخت» و «بافت» را فراهم آورده و اکنون می‌توان بستر فرآوری عملیاتی مفاهیم را در راستای دسته‌بندی عناصر سندشناسی بر مبنای رویکرد متن‌بنیان، گسترانید.

## ۵-۱. پیکر متن

سند، در نگاه سنتی سندشناسی ایرانی، از متن و اضافات (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۱۵۳، ۱۵۷؛ فدایی عراقی، ۱۳۷۷: ۱۳۹-۱۵۶؛ روستایی، ۱۳۸۹: ۴۵) فراهم آمده است. در بخش ۴ دانسته شد که نگرش سندشناسی به موضوع کار خود، یعنی سند، اصولاً نگاهی ریخت‌گرایانه است و بر معانی<sup>۱</sup> و مفاهیم<sup>۲</sup> مندرج در متن، چونان که در علوم اجتماعی، مشتمل بر تاریخ‌شناسی (نوذری، ۱۳۹۸: ۱۱۰) رایج و کاربردی است،<sup>۳</sup> دیده نمی‌شود. بنابراین برای فرآوری مفاهیم سندشناسانه ناظر بر اجزای متن، می‌بایست از نگاه محتوامحور علوم اجتماعی گذر کرد و از تعاریف حوزه‌های دیگر بهره‌مند از نگرش نمایان به ویژگی‌های ریختی (صوری و ظاهری)، بهره‌ور گردید.

دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی: «قسمت اصلی یک اثر که از حواشی، زیرنویس، مقدمه و ملحقات، متمایز باشد.» (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹: ۳۷۲) فرهنگ کتاب (چاپ و نشر): «عبارت‌های اصلی کتاب، رساله و مکتوب؛ جمع آن، متون است. کار اصلی یک پدیدآور در یک کتاب به حساب می‌آید و از زیرنویس‌ها، تعلیق‌ها، تفسیرها و جز این‌ها متمایز می‌شود. (۲) بخش حروف‌چینی‌شده صفحه‌های یک کتاب که از تصاویرها و حاشیه‌ها متمایز می‌شود. (۳) بخش عمده یک کتاب که از مقدمه‌ها، پیوست‌ها، فهرست‌ها و جز این‌ها متمایز می‌شود.» (پورممتاز، ۱۳۷۷: ۵۸۸) فرهنگنامه فارسی: «(۱) عین یک نوشته، بدون تغییر، تفسیر، حذف یا اضافه؛ متن مقاله، متن خبر، متن حکم. (۲) بخش اصلی یک نوشته، فیلم و مانند آن، در برابر بخش‌های فرعی یا مقطعی آن. (۳) زمینه یک عکس، تصویر یا اثر هنری که نقش‌ها و تصویرها بر روی آن قرار گرفته است.» (صدری افشار و حکمی، ۱۳۸۸: ۲۴۶۵)

در تعاریف بالا، مفهوم غالب «قسمت اصلی یا بخش عمده» اثر، در اتلاق به متن، قابل تشخیص است؛ اما بررسی در منابع، واژه اصطلاحی ویژه‌تری برای دلالت تمام بر این مفهوم، در پیش چشم می‌نهد که در انگلیسی، به گونه body (بدنه، پیکر، تنه) و body text (متن بدنه، بدنه متن، پیکره متن، متن اصلی) آمده و از آن، معانی «قسمت اصلی متن اسناد؛ قسمت اصلی مربوط

---

1. meaning

2. concept

۳. برای آگاهی بیشتر از نگرش محتوامحور علوم اجتماعی به متن (یا متن به مثابه مجموعه‌ای از معانی و مفاهیم)،

بنگرید: میرزایی، ۱۳۹۳: ۹۳۵، ۹۸۸، ۹۹۲.

به هر صفحه (بدون عناوین) یا قسمت اصلی متن کتاب‌ها بدون مقدمات و ضمایم آنها» (پورممتاز، ۱۳۸۸: ۱۹۴/۱-۱۹۵)، «قسمت متن یک صفحه از کتاب، مقاله، نامه، چکیده، کتابشناسی توصیفی و غیره؛ بدون سرصفحه، عنوان و پاصفحه» (محمدی‌فر، ۱۳۷۶: ۱۱۵)، مطلب<sup>۱</sup> تشکیل‌دهنده متن اصلی<sup>۲</sup> یک کتاب چاپی و body copy یا متن تشکیل‌دهنده بخش اصلی<sup>۳</sup> یک اثر (Ambrose and Harris, 2017: 180) و در روزنامه‌نگاری، «قسمت خواندنی مطلب ... شامل نوشته‌های آن به جز تیتراژ، لید و تصویرها» (محمدی‌فر، ۱۳۷۸: ۳۶۷) برداشت می‌شود.

با این پیشینه، اگر رسانه مکتوب سند دیوانی را به مثابه یک متن، در وضعیت تمام و کمال آن، در نظر آوریم؛ بدنه، پیکره یا بادی تکست آن، همان است که در معیارهای بوسه، قائم‌مقامی و فدایی عراقی به عنوان «متن» (بنگرید: پاره‌های ۱-۳، ۲-۳ و ۳-۳) و در معیار حسن‌آبادی، برگرفته از معیار دورانتی، به عنوان «مؤلفه‌های درونی» (بنگرید: پاره ۵-۳) آمده و بر پایه رهیافت این مقاله، از دیدگاه رویکرد متن‌بنیان، «عناصر پیکرمتنی» نامیده می‌شود.

بر این گفتار باید افزود؛ برخی، ویژگی‌های زبانی متن، شامل واژگان، ترکیب و سبک را در شمار عناصر درونی سند آورده‌اند (Duranti, 1991: 32/10). هرچند عناصر زبانی، با تأثیرپذیری از بافت زمانی، مکانی، اداری، اجتماعی و ... (حسن‌آبادی، ۱۴۰۳: ۵۸)، محتوای سند را بیان می‌کنند؛ اما باید توجه داشت که انشاء و ترسّل، معیارهایی را برای بیان و سازماندهی محتوا (حقایق و ایده‌ها) قرارداد نموده و با فراهم آوردن عبارت‌بندی‌های خاص؛ بیان هر قسم و نوع از اسناد را قاعده‌مند<sup>۴</sup> می‌سازد (Duranti, 1991: 32/8). بر این پایه، هر یک از ارکان عمده مطلع، کلام و خاتمه در پیکرمتن؛ خود، از قالب‌های بیانی یا عبارت‌های معیارشده یا همان عبارت‌بندی‌های خاص، ساخته می‌شوند؛ چنانکه به عنوان نمونه، مقدمه دسته‌ای از اسناد فرمان در دوره صفویه، با کلمه‌های مشخص «چون در این وقت ...» عبارت‌بندی شده و رکن شرح حال، با کلمه «بنابراین ...» به عبارت توصیفی نهایی می‌رسد (بوسه، ۱۳۶۷: ۶۰، ۶۲). پس؛ عنصر زبان، به عنوان یک مقوله پیکرمتنی، کارکرد عبارت‌بندی ارکان پیکرمتن، یعنی مطلع، کلام و خاتمه را بر عهده داشته و در دل ارکان، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما از دیدگاه ویژگی‌های بافتی و

---

1. matter  
2. main text  
3. main part  
4. formulization

همچنین کارکردی که در بازنمایی محتوا دارد، به عنوان یک مبحث مهم در بررسی ابعاد بافتی و محتوایی اسناد، درخور توجه و بررسی است. با لحاظ مفاد پیش گفته؛ گروه‌بندی عناصر پیکرمتنی (مندرج در نوار توسی رنگ) همراه با عناصر زیرمجموعه یا زیررده آن که با بهره از هم‌سنجی عناصر یادشده در معیارهای پنج‌گانه (بنگرید: بخش ۳) فراهم آمده، به شرح زیر می‌آید.

### راهنمای جدول‌های هم‌سنجی

- ← کج خط ( / ) پیش از نام زیرمجموعه رده بالایی بودن یک عنصر:
- ← ایستاده خط ( | ) : جداکننده عضوهای یک دسته
- ← خط تیره ( - ) : پرداخته‌نشدن توسط معیارگر یا قابل تشخیص قطعی نبودن از نگاه نویسندگان مقاله
- ← ستاره هشت‌پر ( \* ) : کلمه یا عبارت دارای توضیح؛ توضیح مرتبط، بلافاصله در زیر جدول آمده است.

پیکر متن / مطلع (مقدمه) | کلام (شرح موضوع) | خاتمه (مؤخره)

... / مطلع (مقدمه) / خطاب | القاب | دعا

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر	زیرمجموعه‌های آن
بوسه	خطاب	اجزای سند / متن / متن اصلی /	خطابیه   تعمق   توصیف
قائم مقامی	رکن مطلع (مقدمه)	ترکیبات اسناد / متن /	خطاب   القاب   دعا
خان محمدی	-	-	-
فدایی عراقی	مطلع (مقدمه)	ترکیبات سند / متن /	خطاب   القاب   دعا
حسن آبادی	مقدمه، قسمت فرعی	مؤلفه‌های درونی /	-

... / کلام (شرح موضوع)

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر	زیرمجموعه‌های
---------	------	----------------	---------------

آن			
شرح موضوع   عبارات خاتمه	اجزای سند/متن / متن اصلی /	رکن کلام	بوسه
-	ترکیبات اسناد / متن /	رکن حال (شرح اشتیاق، شرح موضوع)	قائم مقامی
-	-	-	خان محمدی
-	ترکیبات سند / متن /	شرح موضوع	فدایی عراقی
-	مؤلفه‌های درونی /	متن	حسن آبادی

... / خاتمه (مؤخره)

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر	زیرمجموعه‌های آن
بوسه	مؤخره	اجزای سند/متن /	دعای پایانی   تاریخ تحریر   محل تحریر
قائم مقامی	رکن خاتمه (فاتحه)	ترکیبات اسناد / متن /	-
خان محمدی	-	-	-
فدایی عراقی	خاتمه	ترکیبات سند / متن /	-
حسن آبادی	مؤخره	مؤلفه‌های درونی /	-

## ۲-۵. دیوان افزود

در پاره ۱-۵ بر پایه اینکه تمامیت سند، با لحاظ همه اجزای عینی و ذهنی آن، یک متن است؛ بخش اصلی سند که محتوا یا پیام عمده پدیدآور را در بر دارد، به عنوان پیکره متن یا پیکرمتن، شناخته و همچنین گفته شد: تعاریف حوزه‌های دانشی دارای رویکرد شبیه به سندشناسی، از جمله کتابداری، چاپ‌ونشر و ...، برای توضیح پاره‌های غیر از پیکره متن؛ اصطلاح‌هایی همچون حاشیه (حواشی)، زیرنویس، مقدمه، ملحقات، تعلیق (تعلیقات)، تفسیر، تصویر، نقش (و نگار)، پیوست، فهرست و بخش‌های فرعی و مقطعی را به کار برده‌اند. تعدد، تنوع و تفاوت در آنچه که رشته‌های یادشده، به عنوان غیر از بخش اصلی متن یا پیکرمتن می‌شناسند، آشکار است. همچنین،

باید توجه داشت که تعاریف یادشده، نه بر سند بلکه عمدتاً بر قالب‌های دیگر، به ویژه کتاب، ناظر است.

از سوی دیگر؛ در معیارهای پنج‌گانه (یادشده در بخش ۳) نیز ناهمسازی‌هایی دیده می‌شود که تشخیص و دسته‌بندی دقیق عناصر سندشناسی را با اندازه‌ای از ابهام روبرو می‌نماید. به عنوان نمونه: عنصر «تحمیدیه»، در چهار معیار (به جز معیار بوسه) در زیر دسته «اضافات» یا «الحاقیات» دسته‌بندی شده است؛ «طغرا» از دید خان‌محمدی، در شمار «نشانه‌های ویژه» و از نظر قائم‌مقامی، فدایی عراقی و حسن‌آبادی در دسته «اضافات» یا «الحاقیات» قرار می‌گیرد؛ بوسه، آن را در بخش «شیوه نگارش» معرفی نموده و از افزوده‌های «دفاتر و دیوانخانه‌ها» بر روی سند برشمرده است؛ عناصر «کاغذ» و «خط»، در مبحث «اندازه و نوشته سند» بوسه، «نسخه‌شناسی» فدایی عراقی - خان‌محمدی و «مؤلفه‌های بیرونی» حسن‌آبادی-دورانتی آمده است. با این پیشینه، به نظر می‌رسد که بیشترین همگرایی معیارهای پنج‌گانه، در ارکان یا عناصر پیکرمتن است؛ عناصر دیگر، از دیدگاه‌های متفاوت، دسته‌بندی شده‌اند. بنابراین، در پیش گرفتن نگرشی که تشخیص و دسته‌بندی عناصر را بر پایه رویکردی مشخص، میسر سازد؛ راهگشا خواهد بود.

در این مایه با در نظر داشتن هدف غایی نگره «سند، به مثابه متن» که همانا انتقال محتوا (پیام) به مخاطب است؛ می‌توان به این ایده که «چگونگی یا نحوه انتقال محتوا، محصول و متأثر تصمیمات تولیدکننده متن» است، نائل شد و آن را به عنوان یک قاعده کلی در گروه‌بندی عناصر سندشناسی، قرار داد. گفتنی است این قاعده، بر عناصر پیکرمتنی (پرداخته شده در پاره ۱-۵) نیز تعمیم می‌یابد؛ زیرا آنها نیز در جایگاه عناصر قالب‌بندی‌کننده محتوا، محصول و متأثر از تصمیمات تولیدکننده متن در زمینه چگونگی ارائه یا انتقال محتوا هستند. بدین پایه، می‌توان تمامی عناصر دیگر سند را نیز بر مبنای نقشی که در تحقق اهداف سند، از دیدگاه تصمیمات تولیدکننده دارند، بازشناسی نمود.

از چشم‌انداز پیش‌گفته؛ تولیدکننده دیوانی که محتوای محوری موردنظرش را در «پیکرمتن» قالب‌بندی نموده، اکنون می‌رود تا تدابیر یا تصمیمات تکمیلی‌اش را بر روی سند پیاده‌سازی نماید. بخشی از این تدابیر، نیازمند بیان یا عمل اختصاصی مقامات حاکم و یا اقدام تخصصی منشیان و مستوفیان هستند که در قالب عناصری همچون تحمیدیه، اثر مهر، توقیع، طغرا، توشیح،

امضا، هامش، تعلیقه، تاریخ گذاری، صحه‌ها، شده‌ها و ... نمود می‌یابند. این دست عناصر را که سطوحی از کار اختصاصی و تخصصی دیوان بر روی اسناد را در بر می‌گیرند، می‌توان با عبارت کوتاه‌شده «دیوان‌افزود» شناخت. گروه‌بندی عناصر دیوان‌افزود (مندرج در نوار توسی‌رنگ) همراه با عناصر زیرمجموعه یا زیررده آن که با بهره از هم‌سنجی عناصر یادشده در معیارهای پنج‌گانه (بنگرید: بخش ۳) فراهم آمده، به شرح زیر می‌آید. برای آگاهی از نشانه‌های به‌کاررفته در جدول‌ها به «راهنمای جدول‌های هم‌سنجی» مندرج در پاره ۱-۵، مراجعه نمایید.

دیوان‌افزود/ تحمیدیه | طغرا | اثر مهر | اطلاعات تحریر | افزوده‌های حاکم | افزوده‌های

دبیری

.../ تحمیدیه

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	ذکر نام خدا	اجزای سند/ متن/ مقدمه/
قائم‌مقامی	تحمیدیه	ترکیبات اسناد/ اضافات/
خان‌محمدی	تحمیدیه	نسخه‌شناسی/ امور الحاقی/
فدایی عراقی	تحمیدیه	ترکیبات سند/ اضافات/
حسن‌آبادی	تحمیدیه	الحاقیات یا اضافات (تحشیه‌ها)/

.../ طغرا

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	طغرا	اجزای سند/ متن/ مقدمه/؛ شیوه نگارش/؛ افزوده‌های دفاتر و دیوانخانه/ رویه اسناد/ اجزای سند/ متن/ مقدمه/
قائم‌مقامی	طغرا	ترکیبات اسناد/ اضافات/
خان‌محمدی	طغرا	نسخه‌شناسی/ نشانه‌های ویژه/
فدایی عراقی	طغرا	ترکیبات سند/ اضافات/
حسن‌آبادی	طغرا	الحاقیات و اضافات/

.../ اثر مهر

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	مهر تمغا*	اجزای سند / وسیله تصدیق /؛ افزوده‌های دیوانخانه / رویه اسناد / اجزای سند / متن / مقدمه /
قائم مقامی	مهر	ترکیبات اسناد / اضافات /
خان محمدی	اثر مهر	نسخه شناسی / نشانه‌های ویژه /
فدایی عراقی	مهر	ترکیبات سند / اضافات /
حسن آبادی	مهر	مؤلفه‌های بیرونی /

\* تمغا، نشان قبایل و طوایف ترکمان که در قالب نقشی بر مهر نمود می‌یافت (بنگرید:

قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۲۳۲-۲۳۳، ۴۵۷).

.../ اطلاعات تحریر / تاریخ | محل | محرر (کاتب)

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	تاریخ   محل	اجزای سند / مؤخره /
قائم مقامی	تاریخ کتابت	ترکیبات اسناد / اضافات /
خان محمدی	کاتب   محل   تاریخ کتابت	نسخه شناسی / امور الحاقی /
فدایی عراقی	تاریخ کتابت	ترکیبات سند / اضافات
حسن آبادی	-	-

.../ افزوده‌های حاکم / توقیع | توشیح | هامش | امضا | موارد دیگر

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	توقیع   تحشیه	افزوده‌های دیوانخانه / رویه اسناد /
قائم مقامی	توقیع   توشیح   امضا	ترکیبات اسناد / اضافات /
خان محمدی	توقیع   هامش	نسخه شناسی / امور الحاقی / ؛ نسخه شناسی / نشانه‌های ویژه /

فدایی عراقی	توقیع   توشیح	ترکیبات سند / اضافات /
حسن‌آبادی	توشیح   امضا	الحاقیات و اضافات /

... / افزوده‌های دبیری / تعلیقه و خطّ مقامات دیوانی | یادداشت‌ها و نشان‌های رؤیت، تأیید و ثبت (صحّه‌ها، شدّه‌ها و موارد دیگر)

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	تعلیقه   امضاها و عبارت‌های ثبت، رؤیت و تأیید توقیع	افزوده‌های دفاتر و دیوانخانه / ظهريه اسناد / افزوده‌های دیوانخانه / رویه اسناد
قائم‌مقامی	ثبت دفتر	ترکیبات اسناد / اضافات /
خان‌محمدی	ظهنویسی   اختصارنویسی	نسخه‌شناسی / امور الحاقی /
فدایی عراقی	ثبت دفتر	ترکیبات سند / اضافات /
حسن‌آبادی	علائم خاص *	مؤلفه‌های بیرونی /

\* حسن‌آبادی در شمار مؤلفه‌های بیرونی سند به «علائم خاص» (شامل لوگو، شعارها و نمادهای خاص) اشاره کرده (حسن‌آبادی، ۱۴۰۰: ۴۱) و دورانتی، *special signs* را نشان‌ها (شامل امضاها)ی تحریرکنندگان، تأییدکنندگان و دفاتر تنظیم و ثبت اسناد دانسته است (Duranti, 1991: 32/10). بدین‌مایه؛ هر گونه نوشته و نشان (اعم از امضاء، حرف اختصاری، علامت، شکل و ...) بیانگر اقدام کارگزاران دبیری (منشیان و مستوفیان در تمامی رده‌های هر یک از بخش‌های دربار، دیوان، لشکر و شرع) در زمره عناصر دسته افزوده‌های دبیری خواهد بود و البته، این عناصر را باید جدا از «افزوده‌های پس‌اصدور» (بنگرید: پاره ۳-۵) دسته‌بندی کرد.

### ۳-۵. زمینه-آرایه

چیزها و پاره‌های دیگری هستند که بستر، زمینه و ابزار پیاده‌سازی بهینه و مؤثر عناصر پیکرمتنی و دیوان‌افزودی را فراهم می‌آورند. این عناصر، حتی اگر در دیوان و به‌دست کارگزاران دیوانی، ساخته و پرداخته شده باشند، عناصر «زمینه-آرایه» به شمار می‌آیند. این عناصر را می‌توان با نظر به ماهیت و کارکردشان، در چهار گروه، دسته‌بندی نمود: ابزار کتابت (کاغذ، مرکب، خط)؛ تنظیم و تحریر متن (حاشیه‌ها، سطرها و کلمه‌های خاص)؛ آرایه‌ها

(جدول کشی، تذهیب، ترصیع، تشعیر، افشان‌گری، طلائندازی دندان‌موشی بین‌السطور، تحریر، تکحیل، رنگه‌نویسی و تزئینات دیگر) و لوازم جانبی (لفافه، آستر، پاکت، محفظه نگهداری و موارد دیگر). گروه‌بندی عناصر زمینه-آرایه (مندرج در نوار توسی‌رنگ) همراه با عناصر زیرمجموعه یا زیررده آن که با بهره از هم‌سنجی عناصر یادشده در معیارهای پنج‌گانه (بنگرید: بخش ۳) فراهم آمده، به شرح زیر می‌آید. برای آگاهی از نشانه‌های به‌کاررفته در جدول‌ها به «راهنمای جدول‌های هم‌سنجی» مندرج در پاره ۱-۵، مراجعه نمایید.

زمینه‌آرایه / ابزار کتابت | تنظیم و تحریر متن | آرایه‌ها | اقدام‌ها و لوازم جانبی  
 ... / ابزار کتابت / کاغذ | مرکب | خط  
 ... // کاغذ

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	کاغذ	اندازه و نوشته سند /
قائم‌مقامی	-	-
خان‌محمدی		نسخه‌شناسی /
فدایی عراقی	کاغذ	نسخه‌شناسی /
حسن‌آبادی	کاغذ	مؤلفه‌های بیرونی / رسانه (محمل) /

... // مرکب

معیارگر	عنصر	جزء دسته
بوسه	-	-
قائم‌مقامی	-	-
خان‌محمدی	مرکب	نسخه‌شناسی /
فدایی عراقی	مرکب	نسخه‌شناسی /
حسن‌آبادی	-	-

... // خط (اقلام و تحریر)

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	خط	اندازه و نوشته سند /

قائم مقامی	-	-
خان محمدی	خط	نسخه شناسی /
فدایی عراقی	خط	نسخه شناسی /
حسن آبادی	خط	مؤلفه های بیرونی /

... / تنظیم و تحریر متن

... // حاشیه

معیار گر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	اندازه حاشیه	اندازه و نوشته سند /
قائم مقامی	اندازه حاشیه	نگارش، تنظیم و صدور اسناد / آداب نگارش
خان محمدی	-	-
فدایی عراقی	-	-
حسن آبادی	-	-

... // سطرها / فاصله بین سطرها | فاصله سطرهای نخست از حاشیه | راست نویسی و

منحنی نویسی سطرها

معیار گر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	فاصله بین سطرها دوسطر نخست	اندازه و نوشته سند / شیوه نگارش /
قائم مقامی	فاصله بین سطرها   نیم سطر نویسی (سطرهای نخست)   راست نویسی یا منحنی نویسی سطرها	نگارش، تنظیم و صدور اسناد / آداب نگارش /
خان محمدی	-	-
فدایی عراقی	-	-
حسن آبادی	-	-

... // کلمه ها / ممتاز نویسی | کشیده نویسی | اعراب و نقطه گذاری | موارد دیگر

معیار گر	عنصر	جزء دسته عناصر
----------	------	----------------

بوسه	طلانویسی، درحاشیه‌نویسی، بالا بردن کلمه خاص	شیوه نگارش /
قائم مقامی	مشکول، اعراب و نقطه‌گذاری   مدّ یا کشیده‌نویسی	نگارش، تنظیم و صدور اسناد/ آداب نگارش
خان محمدی	-	-
فدایی عراقی	-	-
حسن آبادی	-	-

... / آرایه‌ها/ جدول کشی | افشان‌گری | تذهیب | ترصیع | رنگه‌نویسی (الوان‌نویسی) | تحریر و تکحیل | موارد دیگر\*

معیارگر	عنصر	جزء دسته عناصر
بوسه	-	-
قائم مقامی	-	-
خان محمدی	افشان‌گری، جدول کشی، تذهیب، ترصیع، مرقع	نسخه‌شناسی / تزئینات
فدایی عراقی	جدول کشی، تذهیب، ترصیع، افشان‌گری، سایر تزئینات	نسخه‌شناسی
حسن آبادی	تزئینات	مؤلفه‌های بیرونی /

\* رنگه‌نویسی، تحریر، تکحیل و دیگر آرایه‌ها چنانکه بر روی کلمه یا کلمه‌هایی خاص در متن اجرا شود، در شمار رده‌دسته زمینه‌آرایه / کلمه‌ها/ ممتازنویسی خواهد بود.

... / اقدام‌ها و لوازم جانبی / لوله و تا کردن | بستن سر نامه | مهر و موم | لوازم نگهداری (آستر، کیسه، پوشه و موارد دیگر)

معیارگر	عنصر	جزء دسته
بوسه	لوله و تا کردن	اندازه و نوشته سند
قائم مقامی	بستن سر نامه، مهر و موم، کیسه، لوله و تا کردن	نگارش، تنظیم و صدور اسناد/ نحوه ارسال
خان محمدی	آستر، پوشه	نسخه‌شناسی / امور الحاقی
فدایی عراقی	-	-

-	-	حسن آبادی
---	---	-----------

#### ۴-۵. پس افزودها

پس افزودها پاره‌ها و اجزایی هستند که پس از تولید، صدور و ارسال یک سند بر آن افزوده می‌شوند. از این جمله، می‌توان به پاره‌هایی اشاره کرد که برای ترمیم حاشیه، بخش میانی سند افزوده می‌شود (خان‌محمدی، ۱۳۷۲: ۹۳). لوازم جانبی مانند محفظه‌ها و پوشش‌های محافظ را نیز باید در شمار این گروه آورد. همچنین، ممکن است پس از ایجاد سند، الحاقیه‌هایی از سوی صادرکننده، دریافت‌کننده، دارنده یا مرکز آرشیوی و هر نگهدارنده دیگری، به عنوان اطلاعات مکمل بر سند افزوده شود (حسن آبادی، ۱۴۰۰: ۶۰). به عنوان نمونه، نشان یک مهر آرشیوی، به سجع «دفتر دیوانی ۱۳۳۵» که بر روی شماری از اسناد گورکانی آرشیو دولتی آندراپرادش حیدرآباد هند دیده می‌شود (صومعه، ۱۴۰۳: ۱۱۳) در شمار این گروه خواهد بود. عناصر پس‌افزود، شواهدی از روند زیست‌دوران اسناد را در دسترس سندشناس می‌نهند و در مطالعات سندشناسی، از دیدگاه بررسی پیشینه اسناد و چه بسا تعیین اصالت آن‌ها، قابل توجه هستند. پس‌افزودها/ اجزای ترمیمی | افزوده‌ها و الحاقیه‌های صادرکننده، دریافت‌کننده، دارنده و آرشیو

#### ۵-۵. دستاورد؛ فرانمای معیار متن بنیان

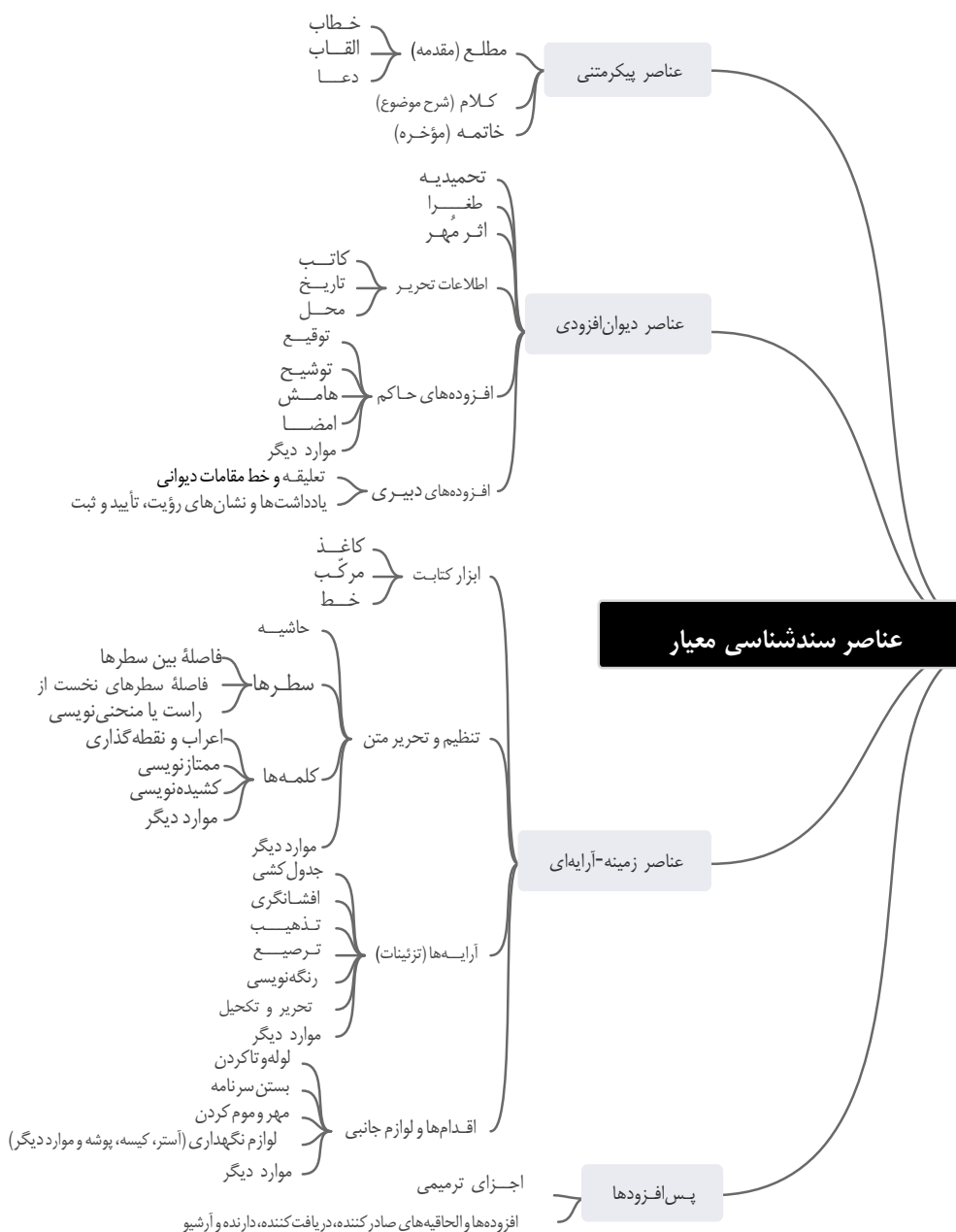
«ریخت» به عنوان یکی از سه بُعد ماهوی «سند به مثابه متن»، عرصه فنی و تخصصی دانش سندشناسی و عناصر ریختی، واقعیت‌ها یا پدیده‌های بنیادین درخور بررسی است که بر روی میز کار سندشناس قرار می‌گیرد. با این درآمد؛ بخش ۵، کار فرآوری مفاهیم مورد نیاز در سطح عملیاتی را در پیش گرفته و گسترش مفهوم «ریخت» را در راستای به دست دادن دسته‌بندی عناصر سندشناسی بر مبنای رویکرد متن بنیان در دستور کار نهاد. در این راه، از انگاره‌ای هم‌پیوند با رویکرد متن بنیان، به مثابه شالوده برساننده مفاهیم مورد نیاز، بهره گرفته شد. اینکه: هدف غایی تولیدکننده سند، انتقال محتواست و «چگونگی انتقال محتوا، محصول تصمیمات تولیدکننده متن» است.

این انگاره، تشخیص و تعریف گروه‌ها یا دسته‌های عناصر سندشناسی را بر مبنای چگونگی نقش و کارکردشان در تحقق اهداف محتوایی سند از دیدگاه تصمیمات تولیدکننده، میسر می‌سازد. بر پایه همین انگاره، عناصر سندشناسی در چهار دسته «پیکر متن» (محصول تدابیر

محتوایی اصلی و کانونی تولیدکننده)، «دیوان‌افزود» (محصول نیات و اقدامات مقامات حاکم و کارگزاران دیوانی در راستای تکمیل اهداف محتوایی)، «زمینه-آرایه» (محصول تدابیر مرتبط با ایجاد بسترهای بهینه برای پیاده‌سازی اهداف محتوایی) و «پس‌افزود» (افزوده‌های پس از تولید و صدور سند) تعریف گردید. همگام با تعریف دسته‌های یادشده؛ عناصر سندشناسی همپوشان با هر دسته، از جدول‌های هم‌سنجی معیارهای پنج‌گانه، استخراج و در قالب یک رده عناصر سندشناسی (شامل سرده‌ها و زیرمجموعه‌هایش؛ در نوارهای طوسی‌رنگ)، تنظیم گردید. برونادهای پیش‌گفته، پدیدآور معیار فراگیر عناصر سندشناسی متن‌بیان هستند. هر معیار، دربرگیرنده عناصر سندشناسی است که همراه با نشان دادن جایگاه و پیوندشان با یکدیگر، فهرست می‌شوند. بدین راه، یک معیار را می‌توان در چارچوب یک «فرانما»<sup>۱</sup> ارایه نمود و فرانما؛ شرح، فهرست یا جدول بیانگر سلسله مراتب تقسیمات یک رده‌بندی است (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹: ۲۳۳). با این پیشینه و بر پایه داده‌های به‌دست‌آمده از پاره‌های ۱-۵ تا ۴-۵، فرانمای «معیار فراگیر عناصر سندشناسی متن‌بیان» به شرح زیر است:

[ستون ۱]	[ستون ۲]	[ستون ۳]
<b>عناصر پیگرم متن</b>	- افزوده‌های دبیری	- آرایه‌ها
- مطلع (مقدمه)	-- تعلیقه و خطّ مقامات دیوانی	-- جدول‌کشی
-- خطاب	-- یادداشت‌های رؤیت، ثبت و	-- افشان‌گری
-- القاب	تأیید	-- تذهیب
-- دعا	<b>عناصر زمینه - آرایه</b>	-- ترصیع
- کلام (شرح موضوع)	- ابزار کتابت	-- رنگه‌نویسی
- خاتمه (مؤخره)	-- کاغذ	-- تحریر و تکحیل
<b>عناصر دیوان‌افزود</b>	-- مرکب	-- موارد دیگر
- تحمیدیه	-- خط	- اقدام‌ها و لوازم جانبی
- طغرا	- تنظیم و تحریر متن	-- لوله و تا کردن
- اثر مهر	-- حاشیه	-- بستن سرّ نامه
- اطلاعات تحریر	-- سطرها	-- مهر و موم کردن
-- کاتب	--- فاصله بین سطرها	-- لوازم نگهداری
-- تاریخ	--- سطرهای نخست از حاشیه	--- آستر
-- محل	--- راست‌نویسی یا منحنی‌نویسی	--- کیسه
- افزوده‌های حاکم	-- کلمه‌ها	--- پوشه
-- توقیع	--- اعراب و نقطه‌گذاری	-- موارد دیگر
-- توشیح	--- ممتازنویسی	<b>عناصر پس‌افزود</b>
-- هامش	--- کشیده‌نویسی	- اجزای ترمیمی
-- امضا	--- موارد دیگر	- افزوده‌ها و الحاقیه‌های صادرکننده، دریافت‌کننده، دارنده و آرشیو
[دنباله در ستون ۲]	[دنباله در ستون ۳]	[پایان فرامنا]

همچنین شرح رده‌بندی معیار فراگیر عناصر سندشناسی متن بنیان را می‌توان به شرح نمودار ۶، نشان داد:



نمودار ۶: عناصر سندشناسی از دید معیار متن بنیان

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عناصر سندشناسی، متغیرهای موضوع اصلی دانش سندشناسی، یعنی «سند» هستند و به کار بستن تدابیری در راستای شناسایی، بررسی و هم‌سنجی عناصر اسناد، یکی از دغدغه‌های عمده علمی سندشناسان است. در حوزه اسناد ایرانی نیز کوشش‌های پرشماری در این زمینه به انجام رسیده و آثار پرمایه فراهم آمده، پشتوانه ارزشمند آموزش و پژوهش سندشناسی ایران به شمار می‌آیند. با این همه، سنجیدن آنها با یکدیگر، همراه با دربر داشتن نقاط مشترک قابل توجه، برخی تفاوت‌ها را نیز نمایان می‌سازد. در این مایه باید گفت برساخته‌شدن هر یک از عناصر سند، چیدمان همایند و هماهنگ آنها، دستاورد تقلاها و تدابیری است که نظام دیوان‌سالاری ایرانی، در گذر سده‌ها به راه پاسخگویی به نیازهای دیوانی و مکاتباتی خود، به کار بسته است. از این نگاه؛ نقاط مشترک آثار سندشناسی را باید بازتابی از بنیان‌های اصیلی دانست که پای استوار در سنت‌های کهن و پایدار انشا و ترسّل یک نظام دیوانی هویت‌مند دارند و البته، تفاوت‌ها نیز می‌تواند برخاسته از دو دلیل باشد: یکی اینکه سندشناسی، دانش و روشی معاصر و وارداتی است؛ چنانکه به چشم می‌آید، به‌ویژه در زمینه‌های فنی و روشی، چندان که باید، هنوز زبان تخصصی مشترک و ادبیات همگرای مبتنی بر آن، در جامعه سندشناسی ایران شکل نگرفته است. دلیل دیگر را می‌توان برآمده از میراث بس‌پربار و گرانسنگ اسناد ایرانی دانست؛ نگاه و کوشش سندشناسان ایرانی را چنان به سوی خود کشانیده که تا اندازه‌ای فروگذاری و کم‌کوشی را در برساختن مبانی نظری و بنیان روشی هم‌آهنگ با ساختار و شیوه ویژه اسناد ایرانی، به همراه آورده است.

در بررسی هم‌سنجانه که پژوهش حاضر، بر روی پنج اثر شناسا در زمینه بازشناسی عناصر اسناد دیوانی ایران، دربرگیرنده آثار بوسه، قائم‌مقامی، خان‌محمدی، فدایی عراقی و حسن‌آبادی به انجام رسانیده، نیز پاره‌ای اختلاف‌ها و ابهام‌ها خود را نشان می‌دهد (بنگرید: پاره ۶-۳). نویسندگان مقاله، با این انگاشت که سازماندهی و رده‌بندی عناصر سندشناسی برپایه یک مبنای نظری مستدل، بستر برساختن معیار فراگیر عناصر اسناد ایرانی فراهم می‌نماید؛ «رویکرد متن‌بنیان» را در راستای فرآوری و گسترش مفاهیم مورد نیاز برساخت معیار پیش‌گفته، در پیش گرفته‌اند. رویکرد متن‌بنیان، انگاره «سند، به مثابه متن» را در دست نهاده و بر پایه آن، سند در سه بُعد ماهوی «محتوا»، «ریخت» و «بافت» شناسایی می‌شود. به فراخور مسأله پژوهش حاضر؛ فرآوری مفاهیم، در سطح عملیاتی، بر بُعد ریخت که دربرگیرنده «عناصر ریختی» یا همان

عناصر سند است، کانونی گردید. بر پایه نظام مفهومی حاصله، عناصر سندشناسی برآمده از هم‌سنجی پنج اثر شناسای یادشده، در چهار گروه همگن «پیکرمتن»، «دیوان‌افزود»، «زمینه-آرایه» و «پس‌افزود» سازماندهی؛ در هم‌کرد دستاوردهای پژوهش، در قالب «فرانمای معیار فراگیر عناصر سندشناسی متن‌بنیان» به دست داده شد.

با نظر به آرمان پژوهش حاضر که در پیش نهادن راهکاری در راستای از میان برداشتن اختلاف‌ها و ابهام‌های موجود در زمینه بازشناسی و دسته‌بندی عناصر اسناد دیوانی ایرانی، به مثابه متغیرهای بنیادین بررسی‌های سندشناسی است؛ رویکرد «متن‌بنیان»، با فرآوری مبانی نظری مستدل، کوشیده از انگاشت‌هایی که برآمده از برداشت‌های سلیقه‌ای و یا معیارهای سندشناسی مدرن (مبتنی بر ماهیت اسناد اروپایی و غربی) گذر نموده و راه را برای بازشناسی، دسته‌بندی و رده‌بندی عناصر سندشناسی بر پایه مرزهای مفهومی مشخص، هموار نماید.

### کتابنامه

- آریان‌پور کاشانی، منوچهر و دلگشایی، بهرام، فرهنگ یک‌جلدی پیشرو آریان‌پور انگلیسی - فارسی، تهران، جهان رایانه، ۱۳۸۶.
- آیتو، جان، فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی، ترجمه حمید کاشانیان، تهران، نشر نو، ۱۳۸۶.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۲.
- بوسه، هریبرت، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوره آق‌قویونلو، قراقویونلو و صفوی، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- پری، راجر، تاریخ رسانه از گیلگمش تا گوگل، ترجمه بهروز تورانی، تهران، روزنامه ایران، ۱۳۹۴.
- پورافکاری، نصرت‌الله، فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- پورممتاز، علیرضا، فرهنگ کتاب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس عربی - فارسی؛ ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث، ترجمه سیدحمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- حبیب‌زاده، ملکی، اصحاب و عبدالرحمانی رضا، رسانه‌شناسی، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۴.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل، درآمدی بر سندشناسی و سندپژوهی در منابع آرشیوی، تهران، سمت، ۱۴۰۲.
- حق‌شناس، علی‌محمد؛ سامعی، حسین؛ انتخابی، نرگس، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- خان‌محمدی، علی‌اکبر، «روش کار با اسناد خطی»، گنجینه اسناد، ۱۳۷۲، ش ۹، صص ۸۶-۹۷.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، ۱۳۷۲.
- دانی، مارسل، نشانه‌شناسی رسانه‌ها، ترجمه گودرز میرزایی و بهزاد دوران، تهران، چاپار و آنیسه‌نما، ۱۳۸۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- روستایی، محسن، «تعابیری از سند و سندشناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۹، ش ۱۴۶، صص ۴۲-۴۹.
- سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین، دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
- شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، تهران، میترا، ۱۳۷۲.

۱۲۰ ..... دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴

شوهانی، سیاوش، «سندشناسی به مثابه دانشی مستقل»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۹۰، ش ۱۶۱، صص ۱۱۰-۱۱۳.

عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۱.

صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین؛ حکمی، نسترن، فرهنگنامه فارسی واژگان و اعلام، تهران، معاصر، ۱۳۸۸.

صلیبی، زانت، فرهنگ توصیفی روان‌شناسی اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.

صومعه، حسین، ساختار، محتوا و کاربرد اسناد دستک با تأکید بر اسناد دوره متأخر مغولان هند (۱۱۷۲-۱۲۷۳ق / ۱۷۵۹-۱۸۵۷م)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی، به راهنمایی حسن زندیه، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۴۰۳.

فدایی عراقی، غلامرضا، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، تهران، سمت، ۱۳۷۷.

قائم‌مقامی، جهانگیر، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.

محسنیان راد، مهدی، ارتباط‌شناسی، ویرایش ۲، تهران، سروش، ۱۳۹۹.

محمدی فر، محمدرضا، فرهنگ جامع مرجع‌شناسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.

محمدی فر، محمدرضا، فرهنگ روزنامه‌نگاری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

میرزایی، خلیل، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران، فوژان، ۱۳۹۳.

میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی؛ فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی، تهران، کتاب مهناز، ۱۳۷۷.

نوذری، حسینعلی، فلسفه تاریخ؛ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران، طرح نو، ۱۳۹۸.

Ambrose, Gavin; Harris, Paul (2017) *The Fundamentals of Creative Design*, Lausanne, AVA Publishing.

Drake, Miriam (2003) *Encyclopedia of Library and Information Science, Second Edition*, New York, Marcel Dekker Inc.

Duranti, Luciana (1989) "Diplomatics: New Uses for an Old Science, Part I", *Archivaria*, No.28, pp.7-27.

- Duranti, Luciana (1989) “Diplomatics: New Uses for an Old Science, Part II”, *Archivaria*, No.29, pp.4-17.
- Duranti, Luciana (1990) “Diplomatics: New Uses for an Old Science, Part III”, *Archivaria*, No.30, pp.4-20.
- Duranti, Luciana (1990) “Diplomatics: New Uses for an Old Science, Part IV”, *Archivaria*, No.31, pp.10-25.
- Duranti, Luciana (1991) “Diplomatics: New Uses for an Old Science, Part V”, *Archivaria*, No.32, pp.6-24.
- Duranti, Luciana (1991) “Diplomatics: New Uses for an Old Science, Part VI”, *Archivaria*, No.33, pp.6-24.
- Duranti, Luciana (2017), “Diplomatics”, *Encyclopedia of Library and Information Sciences (4th ed.)*, edited by John D. McDonald and Michael Levine-Clark, Boca Raton, CRC Press, Vol.2, pp.1441-1449.
- Gallo, Federico (2024) *Diplomatics: The Science of Reading Medieval Documents*, Milano University Press.
- Guyotjeannin, Olivier (1996) “The Expansion of Diplomatics as a Discipline”, *The American Archivist*, Vol.9, Issue 59, pp.414-421.
- Herde, P. (2022, August 12) “diplomatics”, *Encyclopedia Britannica*.  
<https://www.britannica.com/topic/diplomatics>
- Shepherd, Elizabeth; Yeo, Geoffrey (2003), *Managing Records: A Handbook of Principles and Practice*, London, Facet Publishing.
- Skemer, D. C. (1989) “Diplomatics and Archives”, *The American Archivist*, Vol.52, No.3, 376–382.